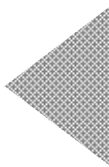


مطالعه عوامل مؤثر بر پیامدهای فرهنگی آپارتمان‌نشینی در ایران (با تأکید بر کلانشهر تهران)



علی قلی جوکار^۱

مجید کاشانی^۲

حسین فکرآزاد^۳

(تاریخ دریافت ۹۶/۳/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۶/۷/۲۰)

چکیده

پژوهش حاضر برای شناخت عوامل مؤثر بر پیامدهای فرهنگی آپارتمان‌نشینی در کلانشهر تهران انجام گرفته است. در بخش مبانی نظری، دیدگاه‌های مهم‌ترین صاحب‌نظران مکاتب مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه، که با استفاده از طیف لیکرت تدوین گردید، استفاده شد. از تعداد ۴۳۰ پرسشنامه توزیع شده، ۳۸۶ نفر پاسخنامه خود را عودت دادند. برای تحلیل یافته‌ها از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شد. نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای مستقلی همچون محدودیت فضا- مکان، نوع معماری بر «کاهش کارکردهای نهاد خانواده آپارتمان‌نشین»، اشراف پنجره خانه‌های آپارتمان‌نشین بر خانه‌های همسایه و مجاور بر «افزایش روابط اجتماعی خارج از عرف»، افزایش سابقه آپارتمان‌نشینی بر ۴ تغییر و تحول «سبک و شیوه زندگی از سنتی به زندگی مدرن»، محدودیت‌های فضا (متراز) و تنوع قومیتی و فرهنگی بر

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، a.jowkar44@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۳- استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

«کاهش روابط همسایگی»، تأخیر در ازدواج، کاهش تعداد فرزندان، افزایش تحصیلات، مالکیت ملک، افزایش تراکم جمعیتی و خانواده، همگی بر «کاهش روح دینی در زندگی آپارتمان‌نشینی»، و مالکیت ملک، تراکم جمعیت و افزایش تعداد بلوک‌های آپارتمانی بر «کاهش روحیه مشارکت مدنی و مذهبی»، دارای تأثیر مستقیم و معنادار بودند. تأثیر متغیرهای مستقلی چون افزایش سوابق آپارتمان‌نشینی و معماری مدرن نیز بر «رعایت حقوق شهروندی» مستقیم و معنادار بود و اکثر ساکنان بر رعایت حقوق شهروندی تأکید داشتند. ۸۹ درصد ساکنان آپارتمان‌نشین نیز از «امنیت زندگی آپارتمان‌نشینی احساس امنیت خاطر و رضایت» داشتند.

واژگان کلیدی: چالش‌های کارکردی نهاد خانواده، روابط همسایگی، مشارکت مدنی و مذهبی، روح دینی در زندگی آپارتمان‌نشینی، سبک و شیوه زندگی، رعایت حقوق شهروندی، روابط خارج از عرف.

مقدمه و بیان مسأله

زندگی آپارتمان‌نشینی یا انبوه‌نشینی به عنوان یک پدیده و واقعیت اجتماعی امروزی است که به عنوان یکی از نمادها و نشانگرهای زندگی شهری امروزی به شمار می‌رود و به دلیل کمبود و حفظ منابع حیاتی، محدودیت فضا و زمین شهری، آپارتمان‌نشینی پاسخگوی قشر عظیمی از جمعیت انبوه شهری از لحاظ محل سکونت بوده و به عنوان یکی از ملزومات دنیای شهرنشینی، جا افتاده و قابل حذف یا جایگزینی از دنیای مدرن شهرنشینی نیست. اما خواه ناخواه زندگی آپارتمان‌نشینی با خود آثار و پیامدهای بسیاری از جمله آثار و پیامدهای فرهنگی را به همراه آورده و زندگی فردی و اجتماعی افراد آپارتمان‌نشین دچار تغییر و تحول زیادی گشته است. شاید بتوان برخی از مهم‌ترین پیامدهای فرهنگی آپارتمان‌نشینی را چالش‌های کارکردی خانواده، سبک و شیوه زندگی، روابط همسایگی، روابط خارج از عرف در زندگی آپارتمان‌نشینی، مشارکت‌های مدنی و مذهبی، نوسان روح دینی در زندگی آپارتمان‌نشینی، کاهش رعایت حقوق شهروندی و ... برشمرد. مسئله و معضلی که کلان‌شهرها و تمام شهروندان را از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنجاری، امنیتی و به ویژه در حوزه کنش‌ها، رفتارها و ارزش‌های فرهنگی جامعه درگیر کرده و «اهداف و راه‌های مشترک جامعه» را دچار آسیب جدی می‌کند. مطالعه، بررسی و شناخت پیامدهای فرهنگی زندگی آپارتمان‌نشینی، امری است که اندیشه‌ورزی نخبگان،

صاحب‌نظران و پژوهشگران در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی فرهنگی و سایر رشته‌های دانشگاهی و مطالعات اجتماعی و مدیریت شهری را ضروری می‌کند. از این رو اندیشه‌ورزی نخبگان دانشگاهی برای کاهش آثار منفی و تبعات نامناسب فرهنگی زندگی آپارتمان‌نشینی، ترمیم و ارتقاء جنبه‌های مثبت این نوع از زندگی، همچنین پیش‌بینی آثار و پیامدهای احتمالی زندگی انبوه‌نشینی در اجرای پروژه‌های کلان در آینده را ضروری می‌نماید. به کمک جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران این حوزه و حوزه‌های یاد شده می‌توان به مطالعه، بررسی جامعه‌شناختی طرح‌های انبوه‌نشین شهری و شناخت پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی موجود در این ارتباط پرداخت و با بهره‌گیری از نتایج چنین پژوهش‌هایی، در راه توسعه همه‌جانبه از جمله توسعه فرهنگی کشور، به حمایت از فرهنگ جامعه پرداخت. حال سؤال اساسی این است که «زندگی آپارتمان‌نشینی چه آثار و پیامدهای فرهنگی با خود به همراه دارد؟». به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال اساسی، در پاسخ گفتن به سؤال‌های زیر نهفته باشد. لذا این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اساسی و سؤالات فرعی زیر بوده است؛

سؤالات فرعی

- ۱- آیا میان زندگی آپارتمان‌نشینی و چالش‌های کارکردی خانواده، رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا میان زندگی آپارتمان‌نشینی و روابط خارج از عرف جامعه، رابطه وجود دارد؟
- ۳- آیا میان زندگی آپارتمان‌نشینی و سبک و شیوه زندگی آپارتمان‌نشینان، رابطه وجود دارد؟
- ۴- آیا میان زندگی آپارتمان‌نشینی و روح دینی در زندگی، رابطه وجود دارد؟
- ۵- آیا میان زندگی آپارتمان‌نشینی و میزان مشارکت مدنی و مذهبی، رابطه وجود دارد؟
- ۶- آیا میان زندگی آپارتمان‌نشینی و میزان روابط همسایگی، رابطه وجود دارد؟
- ۷- آیا میان زندگی آپارتمان‌نشینی و کاهش رعایت حقوق شهروندی، رابطه وجود دارد؟
- ۸- آیا میان زندگی آپارتمان‌نشینی و پیامدهای امنیتی و اجتماعی، رابطه وجود دارد؟

ماهیت و چیستی فرهنگ

فرهنگ، از جنس «فهم» است، یعنی «فهم مشترک» جمع‌کنیری از افراد انسانی در یک اجتماع معین. مفهومی که امروزه مورد توافق نظر اکثر اندیشمندان رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی است. برخی فرهنگ را به معنای «شیوه زندگی» می‌شناسند (بلینگتون و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۲-۱۱).

از دیدگاه جامعه‌شناسی، هیچ فرد یا گروه یا سازمان خاصی، به تنهایی عامل آفرینش فرهنگی نبوده و نمی‌تواند باشد. فرهنگ به مفهوم شیوه زندگی، بافت و ساختاری را می‌آفریند که جریان زندگی فردی و جمعی (حیات جامعه) را هموار می‌سازد. فرهنگ، از طریق گروه‌ها و افراد جوامع آموخته و منتقل می‌شود. انسان از طریق نمادپردازی و ایجاد ارتباط از طریق نمادها، تلاش در توسعه فرهنگ دارد. فرهنگ منحصر به نوع انسان است، یعنی فقط انسان می‌تواند از طریق نمادها با دیگران ارتباط برقرار نموده و زبان، مهم‌ترین سیستم نمادی در این ارتباط است. انسان با کاربرد نمادها، به اشیاء، روابط و عقاید و ارزش‌ها، معنا یا مفهوم می‌دهد. به اعتقاد دورکیم کارکرد فرهنگ در تداوم جامعه است، اما از نظر پارسونز، نظام فرهنگی ادغام و اجتماعی از افراد در جامعه است، یعنی یکپارچگی کامل جامعه. برای پارسونز، کنش اجتماعی افراد که به قول مردم‌شناسان نتیجه‌اش «سازمان‌های اجتماعی» است، گزینش‌هایی را ایجاد می‌کند که براساس ارزش‌ها و هنجارهای درون نظام فرهنگی، مشخص می‌شوند. رویکرد وبر از فرهنگ تفسیری است. به نظر وبر انسان حیوانی گرفتار آمده در تور عظیمی است که خودش آن را تنیده است. آن «تور»، «فرهنگ» و تحلیل آن نیز، علمی تفسیری است که در جستجوی معناست (گیرتز، ۱۹۷۳، به نقل از بلینگتون، ۱۳۸۰: ۳۳). از دیدگاه گیدنز فرهنگ به شیوه زندگی اعضای یک جامعه معین - عادات و رسوم آن‌ها، همراه با کالاهای مادی که تولید می‌کنند - مربوط می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۶). اما فرهنگ از دیدگاه ما با دیدگاه صاحب‌نظران مردم‌شناسی همچون تیلور نزدیک‌تر به نظر می‌رسد. تعریف فرهنگ از دیدگاه ما بدین صورت است: «[فرهنگ] نظام‌واره‌ای است از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، نمادها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا، که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد (نظام‌نامه تدوین نقشه مهندسی فرهنگی، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۸).

خانه و فرهنگ

خانه مقوله‌ای از جنس فرهنگ است نه طبیعت و غریزه. به زبان کارکردی و منطبق با اندیشه برانسیلاو مالینوفسکی، خانه در واقع نوعی «نیاز زیستی» است و «فرهنگ خانه» برای پاسخگویی و پاسخ دادن به این نیاز زیستی که همان داشتن سرپناه است، شکل می‌گیرد. خانه یک عامل

اساسی در برآوردن احتیاجاتی چون آسایش، امنیت، رشد، سرپناه، ایجاد سلامتی، لذت و خوشی، ارتباط متقابل، جامعه‌پذیری و ... نقشی اساسی دارد. در واقع خانه و داشتن سرپناه، باعث گسترش تعاون، همکاری بین اعضا، مشارکت اجتماعی و همکاری فعال بین اعضا، اشاعه و نظارت بر رفتار و اعمال افراد است. در فضای خانه رشد فرهنگی و اجتماعی از طریق بحث و گفتگو، تضاد و تعارض سلیقه‌ای و تعامل، منجر به پیشرفت و توسعه فکری افراد می‌گردد (همان). از این منظر، «فرهنگ خانه» به مثابه مقوله‌ای منفرد و انتزاعی نیست، بلکه ما با فرهنگ خانه، به مثابه مقوله‌ای تجربی، عینی، متکثر و متنوع سروکار داریم (فاضلی، ۱۳۸۶: ۳۲). در واقع در خانه فضاهای متفاوتی وجود دارد که هر یک از این فضاها با توجه به اینکه از کارکردهای متفاوتی اعم از قدسی بودن، عرفی بودن و خاص بودن برخوردارند، مورد تفسیر و تشریح قرار می‌گیرد (کمالی‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۴). لذا خانه از منظر فرهنگی، علاوه بر کارکردهای اساسی و نیاز زیستی و مادی، در جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌های فرهنگی، کانون همبستگی و ارتباط عاطفی و یادگیری و تجربه فرهنگی و اجتماعی افراد، نقش به‌سزا و مؤثری دارد.

آپارتمان^۱ (یا کاشانه) و آپارتمان‌نشینی

امروزه، شهرنشینی خواه‌ناخواه به عنوان الگوی برتر سکونت در همه کشورها پذیرفته شده است. بسیاری از شهرها، به ویژه کلان‌شهرها، از نظر جمعیت‌پذیری، اشتغال‌زایی، خدمات‌دهی و توسعه فضایی، در آستانه پرشدن ظرفیت و حتی فراتر از آن قرار دارند. «آپارتمان» به عنوان نمادی از زندگی مدرن شهری که از غرب وارد جامعه ما شده است، قسمتی از عمارت که مرکب از چند اتاق و ضمام آن است، تعریف می‌گردد. هر چند در قوانین مدون، تعریف خاصی از آپارتمان نشده است، در اصطلاح می‌توان گفت: «آپارتمان»، عبارت است از «یک واحد مستقل در ساختمانی چند طبقه، که از آن برای سکونت یا کار استفاده می‌شود و مالکیت در آن، شامل دو قسمت اختصاصی و مشترک (عمومی) است». به این نوع سکونت و همجواری، در اصطلاح رایج، «آپارتمان‌نشینی» گفته می‌شود (فلاح، ۱۳۹۲: ۱۳). بر اساس تعریف قانون، آپارتمان‌نشینی

عبارت است از یک واحد مستقل در ساختمانی چند طبقه و مجموع یا مجتمع‌های آپارتمان‌نشینی (اسماعیلی، ۱۳۹۱، و دانشنامه آزاد ویکی پدیا، ۱۶/۱۰/۱۳۹۴). بنابراین تعریف، آپارتمان‌نشینی را می‌توان عبارت از یک واحد از واحدهای مسکونی ساختمانی چندطبقه دانست که تعداد زیادی از واحدهای مسکونی در جوار افقی و عمودی، با شرایط و محدودیت‌های خاص فضا- مکانی، در کنار یکدیگر برای زندگی تعداد زیادی از افراد جامعه در نظر گرفته شده است. این وضعیت از زندگی، خواه ناخواه با خود شرایط، روش زندگی، قواعد خاص تقنینی، فرهنگی و اجتماعی نوشته یا نانوشته و مدیریت شهری را به دنبال خواهد داشت.

آسیب‌شناسی زندگی آپارتمان‌نشینی

امروزه اثر مدرنیته شدن، به طور مستقیم در دگرگونی معماری ساختمان‌ها، به صورت ساخت بُرج‌ها و آپارتمان‌های سر به فلک کشیده قابل مشاهده است. تغییر معماری سنتی به «برج‌سازی و آپارتمان‌نشینی» را می‌توان چنین بررسی کرد؛ در بیشتر خانه‌های قدیمی، «حریم خصوصی افراد» به «دالانی» هدایت می‌شد که با چند شکست به حیاط خانه می‌رسید. «سطح کوچه» نیز با حیاط، اختلاف دارد. بنابراین، در «کف دالان» پله وجود داشت. در این صورت، شخص وارد شونده از «هشتی»، هرگز نمی‌توانست داخل حیاط خانه و افراد درون آن را ببیند و مجبور بود از «یک راهروی باریک» عبور کند. اما در خانه‌های امروزی، به ویژه واحدهای آپارتمانی، به محض ورود از «در خانه»، «محل زندگی افراد» بر همگان آشکار می‌شود و هیچ چیزی برای «محدود کردن دید وارد شونده نامحرم یا بیگانه» در آن وجود ندارد. وجود «ساختار اُپن‌گونه» در این ساختمان‌ها به دلیل «کمبود فضا» هر چند «کار بانوی خانه» را «آسان‌تر» کرده، اما خانم خانه را در برابر و معرض دید مهمان‌ها قرار می‌دهد، که به باور برخی «اسباب گناه» و «پرده‌برداری از حریم خصوصی افراد» است و به تبع آن، چالش‌هایی فرهنگی را برای خانواده‌ها به وجود می‌آورد (حیدری، ۱۳۹۴: ۴۲). نوع معماری و محدودیت فضا - مکانی واحد آپارتمانی، «زمینه کاهش رفت و آمدهای فامیلی و غیره» را در «خانواده» به وجود می‌آورد که این برای خانواده‌هایی که به احکام شرعی و دینی مقید هستند، چالش برانگیز خواهد بود (حیدری، ۱۳۹۴: ۴۲).

مبانی نظری^۱

الف - جامعه‌شناسان کلاسیک^۲

۱- دین، فرهنگ و جامعه شهری^۳

به نظر دورکیم^۴ (۱۹۱۷-۱۸۵۸)، هنگامی که جوامع حجیم‌تر شوند، ماهیت فرهنگ آن‌ها نیز دستخوش تغییر و تحول می‌گردد. وجدان جمعی ملزم به فائق آمدن بر تنوعات محلی، استیلا بر فضای بیشتر، و در نتیجه عام و انتزاعی‌تر شدن است» (باندز، ۱۳۹۴: ۶-۵). به نظر دورکیم، اعتقادات دینی در واقع سرشت جامعه را بیان می‌کنند. چون مذهب جنبه‌ای بسیار مهم و اساسی از انسجام اجتماعی را شکل می‌دهد و گام به گام با هر مرحله از تغییر کارکردی و ساختاری در جامعه، شکل یکپارچگی مذهبی نیز تغییر می‌کند. ساده‌ترین صورت دین در ساده‌ترین نوع جامعه یعنی جامعه سنتی یافت می‌شود. به اعتقاد دورکیم فرهنگ همراه با تحول جامعه تغییر می‌کند و این تغییر نه تنها در محتوا، بلکه در وسعت و عمق آن هم صورت می‌گیرد. فرهنگ به عنوان یک نظام نمادین برای بقای خود پایداری نمی‌کند بلکه تغییر می‌یابد؛ فرهنگ صرفاً انتقال نمی‌یابد، بلکه پیوسته در حال اصلاح محتوای خود است. ما نه تنها ایده‌های خود را از جامعه می‌گیریم، بلکه از جامعه می‌آموزیم که چگونه در باب ایده‌های خود اندیشه کنیم (باندز، ۱۳۹۴: ۶-۵). به اعتقاد دورکیم تقسیم کار مستقیم نیز، نتیجه تراکم (چگالی) فرآیندهای اخلاقی یا پویایی جوامع است که خود از تراکم (چگالی) فرآیندهای مادی یا تراکم جمعیت ناشی می‌شود. این تراکم اخلاقی، یکی از ویژگی‌های شهرهای مدرن است. تراکم اخلاقی در زندگی آپارتمان‌نشینی کلان شهری، و مدرنیته و فردیت، در حکم یک مفهوم‌اند. حفظ نظم اخلاقی و یکپارچگی در جامعه، مستلزم شکل‌گیری از وجدان جمعی است. این جاست که اخلاقی جدید تحت عنوان «اخلاق آپارتمان‌نشینی» شکل می‌گیرد که در آن، این همبستگی، به شکل متناقضی از راه فردیت تأمین می‌گردد. دورکیم رویکردی را که فرآیند شتابان شهرنشینی را از لحاظ اصول اخلاقی مشترک، به عنوان آسیب فرهنگی و اجتماعی تلقی می‌کند، به رسمیت نمی‌شناخت

۱ - Theoretical Foundations

۲-Sociologists Classic

۳-Religion, Culture and Civil Society

۴-Emile Durkheim

(استونز، ۱۳۷۹: ۸۰-۷۹). اگر مفهوم این سخن آن باشد که زندگی شتابان شهری تأثیری بر میزان اعتقاد به اصول و ارزش‌های اخلاقی و دینی ندارد؛ نتایج پژوهش‌های زیادی خلاف این دیدگاه دورکیم را نشان می‌دهند. به عبارتی ملاحظه می‌شود در زندگی جمعی مدرن آپارتمان‌نشینی، اگرچه افراد از لحاظ فیزیکی و تراکم در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، اما همکاری و روحیه جمعی آن‌ها در این شرایط فضا- مکانی، رو به کاهش گذاشته و روح دینی جاری در زندگی آن‌ها نیز رو به کاهش و کمرنگی، گذاشته است.

۲ - فرهنگ جامعه سنتی و زندگی آپارتمان‌نشینی^۱

تالکوت پارسونز^۲ (۱۹۷۹-۱۹۰۲)، تغییر فرهنگی را به عنوان فرآیند «تعمیم‌پذیری ارزشی» توصیف می‌کند؛ فرآیندی که در نتیجه پیچیدگی فزاینده الگوهای اجتماعی بوجود می‌آید. در نظریه پارسونز تغییر فرهنگی و تولید معنا، همچون فرآیندی است که در ابتدا با ایجاد تحول در خود سامان، در یکی یا تمامی خرده نظام‌های جامعه، باعث ایجاد تمایز اجتماعی می‌شود. تمایز اجتماعی، به نوبه خود، منجر به پیدایش مجموعه جدیدی از چالش‌هایی می‌گردد که الگوی فرهنگی پیشین، قابلیت پاسخگویی به آن‌ها را ندارد. از این رو، جامعه به یک الگوی ارزشی عقلانی، نظام‌مند و عام‌تر، نیاز پیدا می‌کند تا بتواند با پر کردن شکاف‌هایی که در جامعه در حال سربرآوردن هستند، پایه و اساس ثبات اجتماعی، بنا بگذارد (استونز، ۱۳۷۹: ۱۵۶-۱۵۲). وی بر مبنای نظریه گذر گمیشافت به گزلفشافت تونیس، و همچنین نظریه گذر از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی دورکیم معتقد بود می‌توانیم میان جوامع بر مبنای پایداری آن‌ها به پاره‌ای از ارزش‌های کلیدی تمایز قائل شویم. به نظریه پارسونز انتخاب این الگوهای ارزشی به هیچ وجه تصادفی نیست. او بر این اعتقاد است که جوامع در جریان تغییر اجتماعی، از جامعه سنتی به سمت جامعه پیچیده، در پی پاسخ آشتی‌جویانه فرهنگی به تحولات اجتماعی است. به نظر وی، تمایز بیش از پیش ساختارها و کارکردهای اجتماعی، نظام ارزشی جامعه را کاملاً دستخوش تغییر می‌کند. اما از آنجا که نظام اجتماعی نوین پیچیده‌تر و متنوع‌تر است، تحت پوشش قرار دادن

۱-Traditional Culture and Living in Apartments

۲-Talcott Parsons

سراسر آن برای نظام ارزشی دشوارتر است. لذا هرچه جوامع پیچیده‌تر و متفاوت‌تر می‌شوند، نظام‌های فرهنگی نیز تجربیدی‌تر، انعطاف‌پذیرتر و همه‌گیرتر می‌شوند تا ادغام و یکپارچگی اجتماعی، محقق گردد و حداکثر کارآیی برای سازمان اجتماعی به دست آید. به نظر پارسونز هنگامی که شبکه وضعیت‌هایی که از لحاظ اجتماعی ساختار یافته‌اند، پیچیده‌تر گردد؛ الگوی ارزشی باید به سطح بالاتری از عمومیت برسد تا بتواند ثبات اجتماعی را تضمین و حفظ نماید. هنگامی که تعمیم‌پذیری نظام‌های ارزشی، به صورتی بتواند بدون تکیه بر هیچ‌گونه ممنوعیت و منع خاصی، کنش فرهنگی و اجتماعی را به شکلی کارآمد و مؤثر، نظم و سامان دهد، در آن صورت به عنوان یکی از مؤلفه‌ها و عوامل کلیدی فرآیند توسعه جامعه عمل کرده است» (استونز، ۱۳۷۹: ۱۵۸-۱۵۶، و اولوین، ی. سو، ۱۳۸۶: ۳۷-۳۲). نتیجه آن که در زندگی آپارتمان‌نشینی، نظامی از ارزش‌ها، باورها، قواعد و مقررات، و سبک و شیوه زندگی شکل خواهد گرفت که با شرایط و محدودیت‌های فردی - زمینه‌ای و محدودیت‌های فضا- مکانی و مدیریت زندگی جمعی در آن شرایط، هماهنگ بوده و اخلاق، ارزش‌ها، روابط حقوقی جدیدی برای غلبه بر تعارض تنوع فرهنگی و سبک زندگی سنتی، که در آن روابط گسترده سنتی رواج داشت، به وجود خواهد آمد که ما از آن ذیل مفاهیم کاهش روح دینی در زندگی، تحول در سبک و شیوه زندگی، و کاهش روابط گسترده فامیلی و همسایگی و یاد می‌کنیم.

۳- جامعه مدنی و حقوق شهروندی^۱

ماکس وبر^۲ (۱۸۶۴-۱۹۲۰) استدلال می‌کند که بهترین توجیه و دلیل ارزش و اهمیت هنجارهای اخلاقی در باور جنبش روشنگری به عملکرد خرد فردی، یافت می‌گردد که اگر آزادانه و بدون مانع به فعالیت می‌پرداخت، می‌توانست بهترین شرایط ممکن را به ارمغان آورد. وبر آموزه‌های جنبش روشنگری در خصوص حقوق افراد را به آموزه‌های مذهب پروتستان زاهدانه، تشبیه می‌کند و به طرح این دیدگاه می‌پردازد که این آموزه‌های روشنگری هنجارهای موروثی سنتی را از میان برد، گسترش سرمایه‌داری را تسهیل کرد و این امکان را برای سرمایه‌دار بوجود آورد

۱-Civil Society and Citizens' Rights

۲- Max Weber

که به آسانی اشیاء و انسان‌ها را به کار گیرد. به نظر وبر، شهرهای قرون وسطایی سبب رهایی طبقات ضعیف و متوسط جامعه از بندهای جامعه فئودالی شدند. آن‌ها، شهروندی و نظامی را به وجود آوردند که باعث توسعه عقلانیت اقتصادی گردید. مهم‌تر از همه، شهرها، بنیانی برای پیدایش شکل‌های جدید جامعه مدنی به وجود آوردند؛ انجمن‌هایی که افراد را در درون خود می‌پذیرفتند. همانطور که دورکیم اشاره کرده بود، در جوامع سنتی، فردیت در عمل وجود نداشت، فردیت در شهرهای قرون وسطایی به شکل اتحادیه‌های صنفی و تجاری که افراد را با هم متحد می‌کردند و در ازاء تأمین حقوق شهروندی‌شان، وفاداری آن‌ها را می‌خواستند، پدیدار می‌گردید (استونز، ۱۳۷۹: ۶۸-۶۴، و باندز، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۳). در مقابل بر اساس دیدگاه وبر، زندگی مدرن آپارتمان‌نشینی با افزایش و تراکم جمعیت، این فرصت را به افراد آپارتمان‌نشین می‌دهد که با استقلال و آزادی فردی و اجتماعی، به نوعی از رهایی از نظارت جمع و جامعه دست یافته و به زندگی ادامه دهند. مشابه این موضوع را در رویکرد و دیدگاه زیمل نسبت به شاخص برجسته کلان‌شهرها یعنی «غریبه‌ای در شهر» مشاهده می‌کنیم؛ اما پدیده مدرن آپارتمان‌نشینی با پدیده‌های فرهنگی زیادی چون کاهش روحیه جمعی یا جمع‌گرایی، کاهش فعالیت‌ها و مشارکت‌های مدنی و دینی، تغییر شکل و سبک زندگی سنتی و افزایش فردگرایی و انزوای طلبی و زندگی خوابگاهی نیز پیوند دارد.

۴- تحول در سبک زندگی آپارتمان‌نشینی^۱

فردیناند تونیس (۱۹۳۶-۱۸۵۵) با نظریه گذار از جامعه سنتی گمین‌شافت^۲ به جامعه مدرن گزل‌شافت^۳، ضمن قائل شدن تمایز بین سنت و مدرنیته، به صورت موجز، احساس صدمه ناشی از گذار جامعه روستایی به یک جامعه شهری را نشان می‌دهد. تونیس در مقابل جامعه شهری، جامعه سنتی را با افسوس (نوستالژی) و احساسی، به تصویر می‌کشد که گویی ارزشی بالاتر از تجربه مدرنیته دارد. «زندگی دوستانه، خصوصی و خودی در مجاورت هم، همه زندگی است،

۱- The Changes in Lifestyle of Apartment Living

۲ - Gemeinschaft

۳ - Gessellschaft

خود جهان است. در گمین شافت (اجتماع) فرد، از آغاز تولد تا مرگ با خانواده‌اش زندگی می‌کند و در غم و شادی آن، شریک است. اما کسی که وارد گزل شافت (جامعه شهری) می‌شود، مانند کسی است که به کشور غریبه‌ای وارد شده است. به یک مرد جوان نسبت به گزل شافت بد، هشدار داده می‌دهد. این دیدگاه تونیس، مشابه زندگی آپارتمان‌نشینی در دنیای مدرن است، که از زندگی سنتی با فرهنگ و ارزش‌های بومی و سنتی، روابط گسترده فAMILI، و زندگی در کنار پدر بزرگ و مادر بزرگ، عمو و عمه، و دایی و خاله‌ها صحبت می‌کند که با وارد شدن زندگی آپارتمان‌نشینی، به تدریج این ارزش‌ها، باورها و رفتارها و کنش‌های فرهنگی و قومی و محلی، رنگ می‌بازند. روابط گسترده فAMILI که روزی دارای کارکردهای فراوانی بود، روابط همسایگی که در برخی فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ جامعه ما محترم، مقدس و سفارش شده بود، رو به نقصان می‌گذارد. انتقال ارزش‌های فرهنگی، جامعه‌پذیری فرهنگی و اجتماعی دچار چالش می‌گردد، خانواده گسترده با همه کارکردهایش به خانواده کوچک و هسته‌ای تک فرزندی تقلیل می‌یابد، روابط همسایگی دچار افت می‌گردد، مشارکت‌های مدنی، ملی، مذهبی و دینی و شرکت در مراسم و آیین‌های مردمی، ملی و مذهبی دچار کاهش می‌گردد. اما از نظر تونیس، اصطلاح گمین شافت بد، اصلاً بی‌معناست. گمین شافت (جامعه سنتی یا روستایی) قدیمی و گزل شافت (جامعه شهری) جدید است. همه ستایشی که از زندگی روستایی می‌شود، این نکته را روشن می‌سازد که گمین شافت در برابر افراد، قوی‌تر و زنده‌تر است، اما گزل شافت ناپایدار و تصنعی است. از این رو باید گمین شافت را ارگانیک زنده و گزل شافت را تجمعی مکانیکی و مصنوعی از افراد تلقی کرد» (باندز، ۱۳۹۴: ۲۱-۲۰؛ و محمدی، ۱۳۹۳: ۶-۳).

۶ - سبک و شیوه زندگی آپارتمان‌نشینی^۱

گنورگ زیمل^۲ (۱۸۵۸-۱۹۱۸) مدعی است که انسان شهرنشین، بی‌عاطفه، پیچیده، سرد و واژده^۳ است. محرک‌ها بیشتر از آن هستند که عقل بتواند به موقع واکنش نشان دهد، شهرنشینان

۱ - Style of Living in Apartments

۲ - Georg Simmel

۳ - Blace

تحصیل‌کرده، فرهنگ‌های جهانی را که آن‌ها را احاطه کرده است، بیش از دیگران می‌پذیرند. در حالی که جامعه شهری، امکان آزادی از قیود عاطفی را فراهم می‌کند، دال بر تنهایی و فقدان معنا در زندگی کلان‌شهری هم هست. جهانی‌شدن فرهنگ در شهرهای جهانی، جهانی‌سازی فرهنگ عینی را که تهدیدی برای فردیت افراد است، مستعد نموده‌اند. تجلی این جهانی‌سازی فرهنگ عینی در کلان‌شهرها، به صورت تقلیل هر چیز به ارزش پولی آن، دیده می‌شود. ارزش پولی که کیفیت زندگی را به کمیت تقلیل می‌دهد و مستلزم دقت است، از فردیت افراد صرف‌نظر کرده و آن را به یک واحد پولی مشترک^۱ تقلیل می‌دهد. زیمل شخصیت «غریبه» را از نظر ویژگی‌های نقشی، متعلق به جامعه مدرن می‌پندارد. «غریبه» در همسازی با یک شخصیت کلان‌شهری، کسی است که به لحاظ فیزیکی به دیگران نزدیک اما به لحاظ اجتماعی و فرهنگی از آن‌ها دور است. امروزه، در زندگی در مجتمع‌های آپارتمانی، به دلیل تراکم زیاد و انبوه نشینی، افراد مشابه غریبه‌های زیمل به وفور یافت می‌شوند. برخی از این «غریبه‌ها» نسبت به پیوندی که بین دیگران وجود دارد، با بی‌طرفی در کسب بینش‌هایی که از نظر اعضای گروه پنهان است، و با داشتن آزادی اظهارنظر و مشاهده‌ای که اعضای گروه اجازه آن را ندارند، نقش ویژه‌ای در سازمان اجتماعی محیط زندگی، ممکن است ایفا کنند. این ویژگی دوم شامل حال جامعه‌شناس‌ها هم می‌شود (استونز، ۱۳۷۹، ۱۲۹-۱۱۲؛ محمدی‌پور، ۱۳۹۳: ۶). براساس این دیدگاه زیمل، زندگی آپارتمان‌نشینی، آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی فراوانی چون کاهش روابط عاطفی و محبت‌آمیز، کاهش روحیه جمعی، انزوای و گروشه‌گیری افراد در واحدهای خود، کاهش مشارکت در حل مسائل و مشکلات ساختمان و پرداخت حق‌السهم و شارژ و غیره، کاهش میل و رغبت به شرکت در جلسات مدیریت ساختمان، افزایش حضور زنان مجرد و مطلقه در محیط‌های آپارتمانی، و افزایش حضور افراد مستعد بزهکاری و دارای رفتارهای خلاف عفت عمومی و در برخی مواقع حضور توزیع‌کنندگان مواد مخدر، و... را با خود به همراه داشته است که نتایج تحقیقات زیادی در جامعه ما مؤید این موضوع است.

دیدگاه‌های نظری صاحب‌نظران مکتب شیکاگو^۱

مکتب شیکاگو در پایه‌گذاری جامعه‌شناسی شهری نقش بسیار مهمی را ایفا نموده است. رشد سریع شهرها و پیامدهای ناشی از آن، از مهم‌ترین عواملی بودند که بر تحلیل‌های جامعه‌شناختی زندگی شهری در قرن بیستم، نقش داشته است (گیدنز، ۱۳۷۹، ۶۰۷-۶۰۶).

۱- قشربندی اجتماعی و زندگی آپارتمان‌نشینی^۲

دیوید هاروی معتقد است که شهر و زندگی شهری (آپارتمان‌نشینی) در نهایت حاصل نوعی نابرابری در توزیع درآمدها است. شهرها در تحول خودگرایی، ناگزیر به سوی ایجاد خشونت و تعارض در درون خود هستند. این تعارض در آن واحد، هم به دلیل نابرابری میان اقشار اجتماعی به وجود می‌آید و هم به دلیل نابرابری میان مناطق مختلف زیستی در اثر توسعه و توزیع نابرابر ثروت در آن‌ها. لذا چاره راه، تنها در ایجاد عدالت اجتماعی در شهر و از طریق تبیین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و توزیع عقلانی و منطقی ثروت است. این تحلیل هاروی نشانگر آن است که می‌توان گفت که محیط فیزیکی یا ساختمان شده به طور دقیق‌تر، حاصل تلاش گروه‌های خاص اجتماعی برای سلطه فرهنگی و قدرت سیاسی و اجتماعی است. لذا محیط فیزیکی میدانی برای رقابت و مبارزه است (گیدنز، ۱۳۷۹، ۶۱۲، و باندز، ۱۳۹۴، ۵۲-۴۹، و محمدی‌پور، ۱۳۹۴، ۲۱-۱۸).

۲- زندگی آپارتمان‌نشینی به مثابه محیطِ بر سازِ آدمی^۳

مانوئل کاستلز^۴ بر این نکته تأکید دارد که شکل فضایی و مکانی یک جامعه، پیوند و همبستگی تنگاتنگی با مکانیسم‌های کلی توسعه آن جامعه داشته و محیط‌های شهری مظهر تجلیات نمادین و فضایی نیروهای اجتماعی وسیع‌تری است. از این دیدگاه کاستلز می‌توان چنین برداشت نمود که آپارتمان‌نشینی به عنوان نماد شهرنشینی و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و یا سبک زندگی ساکنان جامعه آپارتمان‌نشین می‌بایست همبستگی تنگاتنگی داشته باشد. با صحت چنین فرضی،

۱-Theoretical Perspectives Chicago School

۲-Social Stratification and Living in Apartments

۳-The Apartment as on The Construction of Human

۴- Manuel Castells

انتظار زندگی آپارتمان‌نشینی بدون تعارض و بدون چالش‌های فرهنگی ساکنین، افزایش انسجام، امنیت خاطر، آرامش و افزایش احساس رضایت آن‌ها می‌رود. در حالی که نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهند که زندگی آپارتمان‌نشینی همراه با چالش و تعارض فرهنگی و قومی بوده و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی را در پی داشته است. کاستلز برخلاف جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو، شهر را جایگاه مشخص، مستقل و جداگانه‌ای نمی‌داند، بلکه شهر را بخش تفکیک‌ناپذیر فرایندهای هدف جمعی، تلقی می‌کند که به نوبه خود، بخشی از جنبه‌های ذاتی سرمایه‌داری صنعتی محسوب می‌گردد. هاروی و کاستلز هر دو تأکید دارند که شهرها محیط‌هایی سراپا مصنوعی هستند که به دست مردم برسازی شده‌اند (باندز، ۱۳۹۴: ۴۹-۴۶).

۳- آپارتمان‌نشینی به مثابه افزایش بی‌سازمانی اجتماعی^۱

لوئیس ورث^۲ (۱۹۵۲-۱۸۹۷) در مقاله «شهرگرایی به عنوان شیوه زندگی» نشان می‌دهد که چگونه فرهنگ شهری، در نتیجه زندگی در شهر، پدید آمده و توسعه می‌یابد. ورث در پی تشریح وجه تمایز شهرگرایی بود. بدین مفهوم که چه چیزی، فرهنگ متمایز زندگی شهری و آپارتمان‌نشینی را به وجود می‌آورد؟ به نظر ورث، شهرگرایی حاصل افزایش اندازه، تراکم و ناهمگونی جمعیت است. آپارتمان‌نشینی در سکونت‌گاه‌های به نسبت بزرگ، با جمعیت متراکم و ناهمگون اتفاق می‌افتد. او مدعی بود آپارتمان‌نشینی به عنوان نماد زندگی مدرن شهری، با از بین بردن روابط فرهنگی و سنتی نخستین و جایگزینی آن با روابط اجتماعی ثانوی، سبب افزایش بی‌سازمانی اجتماعی می‌شود (باندز، ۱۳۹۴: ۲۹). صرف‌نظر از اینکه انبوهی از جمعیت شهرها در مقایسه با مناطق روستایی، سبب جرم و آسیب‌های اجتماعی بیشتری می‌شود، شهرها، انبوه مسائلی را در خود گرد می‌آورند که از نیروهای جامعه‌ی گسترده‌تری، ناشی می‌شوند. این امر به معنای نفی این احتمال نیست که گردآمدن انبوهی از مسائل اجتماعی ممکن است رفتارها و شرایطی را که در ارتباط با شکل‌بندی چنان مسائلی هستند، تقویت کند. این ناهمگونی و تراکم زیاد جمعیت آپارتمان‌نشین، که از خاستگاه فرهنگی و اجتماعی متفاوت و متنوع سنتی و قومی افراد

۱-The Apartment's Living as the Increase's Social Disorganization

۲-Louwis Worth

ساکن برخاسته است، با همسایگان مجاور، تعارض فرهنگی و منافع پیدا کرده، مسائل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی آپارتمان‌نشینی را تشدید می‌کند (باندز، ۱۳۹۴: ۲۹-۲۸).

۴- ترکیب قشربندی اجتماعی در زندگی آپارتمان‌نشینی^۱

هربرت گنز^۲ ساکنان داخل شهرها را به پنج زیرگروه تقسیم می‌کند: ۱- جهان‌وطنان^۳: که برخی مجرد و بدون فرزند هستند؛ بعضی مرفه و متأهل بوده و بچه و خدمتکار هم دارند. این گروه، از ساکنان در داخل شهرها به طور کامل ثروتمند و قدرتمند، به شمار می‌روند. آن‌ها در برابر جذابیت ظاهری شمال شهری که مناسب کودکان هم هست، مقاومت می‌کنند تا دسترسی‌شان را به فرهنگ مرکز شهری، حفظ کنند. ۲- مجردان بدون فرزند^۴، که شامل ساکنان موقت خانه‌های گروهی اجاره‌ای یا افراد تازه ازدواج کرده فاقد فرزند هستند. ۳- روستاییان قومی^۵، این‌ها اجتماعی از گروه‌های قومی مهاجر از روستاها و شهرها هستند که هنوز با اعضای گروه قومی‌شان رابطه‌ای نزدیک دارند و با جهان اجتماعی خارج از آن ارتباط کمی دارند. ۴- محرومان^۶، برای این افراد حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی، یک الزام اقتصادی و یا مکانی برای مخفی شدن است. این‌ها در مورد محل سکونت خود حق انتخاب محدودی دارند؛ فقرا، افراد از نظر عاطفی پریشان، معلولان و اعضای خانواده‌های از هم پاشیده و غیرسفیدپوستان در این گروه جای می‌گیرند. ۵- به دام‌افتادگان و از صدر به ذیل آمده‌ها: این‌ها کسانی هستند که در جریان زوال یا تغییرات توسعه صنعتی یک منطقه گیر افتاده و نتوانسته‌اند خود را سازگار کنند، یا کسانی هستند که به تنگدستی افتاده‌اند (باندز، ۱۳۹۴: ۳۰ - ۲۹). گنز پیش‌بینی می‌کند که افزایش تحصیلات دانشگاهی، افزایش استقرار جهان‌وطنان در نواحی داخلی و خارجی شهرها را در پی خواهد داشت. به نظر وی رکود اقتصادی، ممکن است بر تأمین مسکن و انتخاب سکونتگاه مؤثر

۱- The Combination of Social Stratification in Living in Apartments

۲- Herbert Gans

۳- Cosmopolites

۴- Unmarried Childless

۵- Ethnic Villagers

۶- Deprived

باشد، اما نمی‌تواند تقاضای همگانی را برای داشتن «زندگی شبه نخستین» متوقف کند؛ چیزی که نتایج بسیاری از تحقیقات صورت گرفته درباره مشکلات آپارتمان‌نشینی در ایران، آن را تأیید می‌کنند (باندرز، ۱۳۹۴: ۳۱).

دیدگاه‌های نظری مکتب کنش متقابل^۱

جهان خانگی برگیر و کلنر^۲ و آپارتمان‌نشینی

به نظر برگر و کلنر (۱۹۷۴؛ ۸۹-۶۲) تکثر حوزه‌های عمومی و خصوصی تا حد زیادی محصول زندگی شهری و وسایل ارتباطات جمعی^۳ است. نه تنها شهرنشینی را می‌توان به صورت فرآیندی فضایی دید، بلکه می‌توان آن را در «هیأت پرسش از آگاهی هم» مطرح کرد؛ یعنی می‌توان با تعلیم و تربیت همگانی به ایجاد یک نوع آگاهی‌بخشی و آموزش زندگی همگانی شهری و انتشار آن، اقدام کرد. آگاهی شهری تنها به مناطق شهری محدود نمی‌شود، بلکه به لطف وسایل ارتباط جمعی، می‌توان آن را در نواحی روستایی هم توسعه داد. ما آگاهی شهری را با نوع خاصی از سبک و شیوه زندگی مرتبط می‌دانیم. این آگاهی‌بخشی، محرک‌های چندگانه‌ای را در بر دارد، ارتباطات جمعی و رسانه‌ای در عین اینکه ذهن را وسعت می‌بخشند، «جهان خانگی» را مورد تجاوز و تهاجم قرار داده و تمامیت آن را تضعیف می‌کنند. فرآیند متکثر شدن در جهان مدرن، از اولین مراحل «اجتماعی شدن در خانواده» آغاز می‌شود. جهان‌خانگی ما امروزه از طریق رسانه‌ها از بیرون مورد تهدید است. این تکثر و هجوم آن به جهان خانگی تصادفی نیست، بلکه بخشی از تعلیم و تربیت، و فرآیند اجتماعی شدن مدرن است که ما را قادر می‌کند تا خود را به شیوه‌های مختلف زیستن، همساز کنیم اما در عین حال تهاجم به ارزش‌های فرهنگی جهان خانگی، آسیب‌های فرهنگی زیادی چون افزایش روابط غیررسمی میان زنان و مردان و دختران و پسران جوان، عیان شدن و در معرض دید قرار گرفتن بسیاری از زوایای پنهان خانه، که زمانی در زندگی سنتی به عنوان حریم خصوصی تلقی می‌شدند، توسط رسانه‌های ارتباطی نوین، را متوجه

۱-The Theoretical Perspectives Interaction

۲- Peter Berger, Douglas Kellner

۳ - Mass Communication

آن می‌کند(برگر و کلنر، ۱۹۷۴: ۳۶-۳۵).

دیدگاه‌های نظری مکتب انتقادی(مکتب فرانکفورت)^۱

تغییر ساختار در سبک زندگی آپارتمان‌نشینی^۲

میشل فوکو^۳(۱۹۸۴-۱۹۲۶) با ارائه گسست‌های تاریخی و نشان دادن حوزه‌ها و دوره‌های مختلفی که تحت سلطه رویه‌های متفاوت، ساختارهای به طور کاملاً متفاوتی را به نمایش گذاشته‌اند، از شبکه یکپارچه مورخین، فاصله می‌گیرد. به اعتقاد فوکو ساختارها تغییر می‌کنند، ساختارها به همان اندازه که برای نسلی که براساس آن‌ها رفتار می‌کردند آشنا و مسلّم‌اند، برای نسل بعدی بیگانه‌اند. فوکو سرشت پذیرفته شده و مسلّم پنداشته شده ساختارها را به چالش می‌کشد، و طرفدار دیدگاهی براندازانه^۴ و ساختارشکنانه است. از آنجا که معانی از متن برمی‌خیزند و قدرت دارای تعریفی ناقص و سیال است، فوکو با آشکار کردن گسست‌ها، این ایده را مطرح می‌کند که وجود صورت‌های معرفتی دیگری هم ممکن است. او ما را به چالش‌هایی فرا می‌خواند تا درک کنیم که چیزی که اکنون هست، تنها شیوه ممکن زندگی نیست. امروزه برخلاف زندگی در خانه‌های حیاط‌دار و سنتی، با برداشته شدن فضا و حریم خصوصی در خانه‌های آپارتمانی و تبدیل اکثر فضا و حریم خصوصی خانه به فضای عمومی، و عادی شدن روابط غیررسمی میان افراد غیرهمجنس در روابط فامیلی و غیرفامیلی در زندگی آپارتمان‌نشینی مطابق با دیدگاه برگر و کلنر، با بروز و ظهور رسانه‌های ارتباطی نوین همچون تلفن همراه، ماهواره و اینترنت و اشیاء، و مانند آن‌ها، مجموعه خانه به مثابه یک رسانه که می‌تواند در معرض کاربران بسیاری قرار گیرد، ساختار و روابطی که در زندگی سنتی خانواده‌ها مقدس شمرده می‌شد، در حال شکسته شدن است(محمدی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۷). نتیجه این پژوهش نیز همانطور که در بخش یافته‌ها نشان می‌دهد، میان زندگی آپارتمان‌نشینی و روابط خارج از عرف جامعه، رابطه مثبت و

۱ - Frankfurt School

۲-The Structure Change in the Style of Apartment Living

۳ - Michel Foucault

۴ - Subversive

معناداری وجود داشته است.

دیدگاه صاحب‌نظران جامعه‌شناسی اقتصاد سیاسی و شهری^۱ اهمیت موقعیت و فضای خانه در زندگی آپارتمان‌نشینی^۲

آنتونی گیدنز^۳ در «چارچوب تحلیل فرایند شهری شدن»، روند تاریخی تحول شهری را مورد توجه قرار داده و سابقه شهرنشینی را به دو دوره؛ الف) شهر پیش از سرمایه‌داری (سنتی) و ب) شهر پس از سرمایه‌داری، تقسیم می‌نماید. در دیدگاه گیدنز، عامل فضا از اهمیت بسیاری برخوردار است. چرا که فضا، ظرف تحقق اعمال و روابط اجتماعی است. به عبارت دیگر این فضا (به عنوان ساختار) است که بر جامعه‌پذیری افراد انسانی تأثیر می‌گذارد و از آن نیز تأثیر می‌پذیرد (بدین صورت که انسان نیز هنگام ساخت و انتخاب نوع معماری، وضعیت نور و روشنایی و دیگر شرایط واحد مسکن خود تأثیرگذار است). دلیل این اهمیت نیز عبارت است از اینکه در فضا و به ویژه فضای شهری، «مسئله نظم» مطرح است که قلب تمام تئوری‌های اجتماعی است. این نظم است که یک نظام (ساختار) اجتماعی را در ورای زمان و مکان استمرار می‌بخشد. برای گیدنز مفاهیمی چون محلّ و ناحیه یا موقعیت و محل زندگی در تحلیل اهمیت اجتماعی فضا و محیط مصنوعی، دارای اهمیت است. مفهوم محل در دیدگاه گیدنز بسیار متغیر است. محل «دامنه‌ای از یک اتاق در یک خانه» تا «گوشه یک خیابان»، «طبقه‌ای در یک کارخانه» و یا یک «شهرک یا شهر» را شامل می‌شود. گیدنز دلیل تأکیدش بر فضا به عنوان قالب همه روابط، رخدادهای پدیده‌های اجتماعی را این می‌داند که جامعه‌شناسی اهمیت محیط را در زندگی اجتماعی فراموش کرده است. گیدنز شهرهای مدرن را «خرده جهانی» از تفاوت‌ها و نابرابری‌های بارزی می‌داند که مشخصه بزرگ‌ترین شهرهای جهان است. وی این تصویر از شهرهای معاصر را «تصویری از هزار تکه در هم و بر هم» می‌نامد. به اعتقاد گیدنز همانطور که در شهرهای امروزی و مدرن، روز به روز تعداد مهاجران و بینوایان و محرومان بیشتر و بیشتر می‌شود، همزمان

۱-The Experts Urban Sociology and Political Economy

۲-The Importance of Location and Space in the Home of Apartment Living

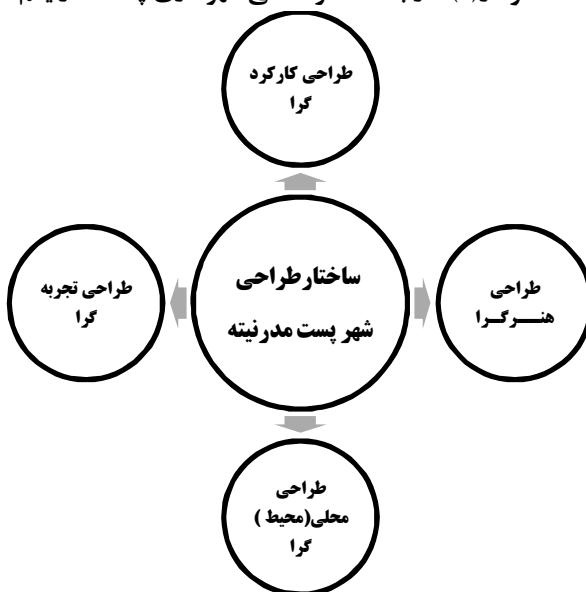
۳- Giddens, Anthony

فقر و ثروت در «عصر شهرهای جهانی» نیز افزایش می‌یابد. به باور وی «فرایند جهانی شدن» تأثیر بسیاری بر تحول شهرهای جهان دارد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۹۸-۵۹۷).

دیدگاه‌های نظری شهرسازی پست مدرنیسم^۱

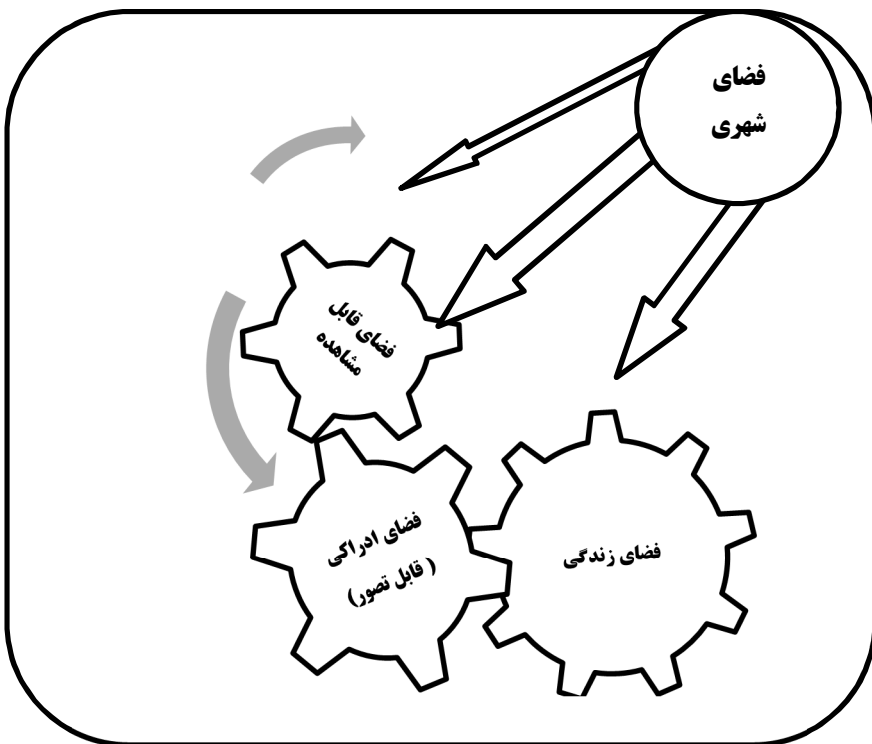
برخلاف طرفداران آموزه‌های مدرنیسم مبنی بر ایده‌هایی چون مهندسی اجتماعی، تعمیر، عقلانیت، کلان‌نگری و ساختارگرایی؛ صاحب‌نظران پست‌مدرنیسم، طرفدار تنوع در ایده‌های در شهرسازی در مقابل ایده‌های کارکردگرا و اقتصادمحور هستند. آنها در طراحی شهری، علاوه بر ایده‌های کارکردگرا و اقتصادمحور، به سه نوع طراحی شامل؛ طراحی‌های «هنرگرا»، «تجربه‌گرا» و «محیط‌گرا» در بستر طراحی شهری و آپارتمان‌سازی به مثابه نماد شهری هستند که در دوره مدرنیسم، مورد غفلت واقع شده‌اند (فیروزی و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۸). می‌توان رابطه این سه نوع طراحی شهری با طراحی کارکردگرا را در نمودار زیر نشان داد (مایکل باندر، ۱۳۹۴: ۳-۶۲).

نمودار (۱) - رابطه عناصر اساسی شهرسازی پست مدرنیسم



بر این مبنا به نظر طرفداران پست مدرنیته، لازم است جامعه شهری به محیطی انسانی تر بازگردد، و عناصر سنتی که در متن و محتوای آن ها ارزش های فرهنگی بومی نهفته است، در طراحی منازل نظیر ایوان ها و پیاده روها دوباره مورد توجه قرار گیرد و به ساکنان اجازه زندگی انسانی تر و اجتماعی تر بخشیده شود. سوچا به عنوان یکی از صاحب نظران پست مدرنیسم، رویکرد فضای شهری را در مقابل «بی فضایی شهری دوران مدرنیسم» مطرح کرده و آن را به سه بخش؛ «فضای قابل مشاهده»، «فضای قابل تصور» و «فضای زندگی» تقسیم بندی می نماید (شکل ۲) که ارتباط تنگاتنگ و جدایی ناپذیری با هم و با ارزش های فرهنگی، بومی و سنتی ساکنان جامعه شهری و آپارتمان نشینی دارند (دیر و فلاستی، ۲۰۰۲؛ ۲۳۲، به نقل از باندز، ۱۲۹۴: ۶۸، و فیروزی و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۹).

نمودار (۲) - نمودار فضای شهری پست مدرن از دیدگاه ادوارد سوچا (۲۰۰۱)



ر- ظهور دیدگاه فرایست مدرنیسم و ارزش‌های فرهنگ بومی بر زندگی شهری

آیا واقعاً ما با یک دوره جدیدی از جامعه‌شناسی فرهنگی در حوزه شهرنشینی و شهرسازی، مواجه خواهیم بود؟ آیا واقعاً در حال آغاز و ورود به دوران جدیدی از جامعه‌شناسی فرهنگی حداقل در حوزه طراحی، برنامه‌ریزی و معماری شهری و محل مسکونی، تحت عنوان «دوره فرایست مدرنیسم» هستیم؟ اگرچه نشانه‌های بسیاری همچون آپارتمان‌سازی در کشورهای جنوبی خلیج فارس، چین و تایوان، و برخی از مناطق دیگر جهان، حکایت از آغاز دوران جدیدی از شهرسازی با رویکرد ارزش‌های فرهنگی، بومی، سنتی و منطقه‌ای در حال بروز و ظهور است، اما پاسخ قطعی به این سؤال و سؤال‌های مشابه را آینده مشخص خواهد نمود. این موضوع وقتی بیشتر تقویت می‌گردد که مشاهده می‌شود نشانه‌های مذکور در جهان سوم بخصوص کشورهای اسلامی، خاورمیانه و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و چین، نوع معماری‌ها؛ اگرچه ترکیبی از معماری غربی و پست مدرن است اما رگه‌های بسیاری از رسوخ فرهنگ‌ها و ارزش‌های بومی و مردمی منطقه در طراحی‌ها این ساختمان‌ها به وفور به چشم خورده و در حال بروز و ظهور است (ترنر، ۱۳۸۴: ۳۲-۲۰، پاپلی یزدی و رجیبی، ۱۳۸۶: ۱۶۰، به نقل از فیروزی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۲). نگرانی‌هایی چون هضم شدن ارزش‌های فرهنگ‌های ملی، منطقه‌ای و بومی کشورها در فرهنگ جهانی، که در آن ارزش‌های فرهنگ مادی امپریالیستی غلبه دارد، وجود داشته است. عدم توان پاسخگویی دیدگاه پست‌مدرنیسم که خود به درستی مدعی عدم توان پاسخگویی دیدگاه مدرنیسم به مسائل جدید جامعه بود و اکنون خود در برابر برخی از چالش‌های فرهنگی و اجتماعی قادر به پاسخگویی نیست، باعث شده است که این دیدگاه، در حال باز کردن جای پای خود در حوزه‌های تئوریک و مطالعات فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها، و پژوهش‌های علمی، آکادمیکی و اجرایی چون «اتا»، «اتاف»، مهندسی فرهنگی و پیوست‌نگاری فرهنگی در ایران، برای پاسخگویی به چنین چالش‌ها و سؤالانی باشد (نظام‌نامه تدوین سند نقشه مهندسی فرهنگی ایران، مصوب ۱۳۸۸ و نظام‌نامه پیوست‌نگاری فرهنگی، مصوب جلسه ۷۳۲ مورخ ۹۲/۰۱/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی).

جدول (۱) - ابعاد متغیر وابسته «پیامدهای فرهنگی آپارتمان‌نشینی»
بر اساس ادبیات و مبانی نظری پژوهش

ردیف	ابعاد «پیامدهای فرهنگی آپارتمان‌نشینی»	مکاتب و صاحب‌نظران
۱	چالش‌های کارکردی خانواده	فردیناند تونیس، جورج زیمل، برگر و کلنر، میشل فوکو، دیدگاه پست‌مدرنیسم (سوجا)، و...
۲	روابط خارج از عرف اجتماعی	فردیناند تونیس، برگر و کلنر، فوکو، دیدگاه پست‌مدرن و...
۳	سبک و شیوه زندگی آپارتمان‌نشینی	دورکیم، پارسونز، ماکس وبر، فردیناند تونیس، مانوئل کاستلز، لوئیس ورت، هربرت گنز، برگر و کلنر، میشل فوکو، سوجا (پست مدرن)
۴	کمرنگ شدن روح دینی	دورکیم، تونیس، برگر و کلنر، فوکو
۵	کاهش مشارکت مدنی و مذهبی	ماکس وبر، تونیس، زیمل
۶	کاهش روابط همسایگی	جورج زیمل، تونیس، فوکو
۷	کاهش رعایت حقوق شهروندی	پارسونز، تونیس، جورج زیمل، هربرت گنز
۸	پیامدهای امنیتی و اجتماعی آپارتمان‌نشینی	ماکس وبر، دیوید هاروی، مانوئل کاستلز، لوئیس ورت، هربرت گنز، برگر و کلنر، میشل فوکو (ساختارشنکی)

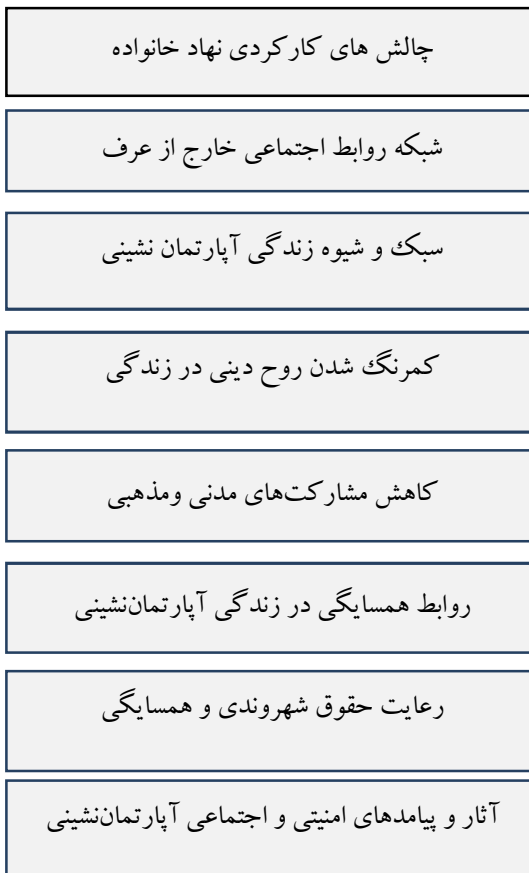
مدل تحقیق

مدل مفهومی یا تحلیلی، در واقع دنباله طرح نظری مسأله تحقیق است که به صورت عملی، نشانه‌ها و خط سیرهایی را که نهایتاً برای اجرای کار مشاهده شده و تحلیل، در نظر گرفته خواهند شد، به یکدیگر مرتبط می‌گردند. مدل تحلیلی یا مدل مفهومی در حقیقت از مفاهیم و فرضیه‌هایی تشکیل شده است که با هم ارتباط تنگاتنگی دارند و مجموعاً «چارچوب تحلیلی منسجمی» را تشکیل می‌دهند (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۹: ۱۴۴). بنابراین بر اساس هدف و رسیدن به پاسخ سؤالات پژوهش مدل تحقیق به صورت زیر ترسیم گردید. لازم به توضیح است که مدل مفهومی تحقیق برگرفته از ادبیات و مبانی نظری و دیدگاه‌های تحقیق در جهت پاسخ به سؤالات اساسی و فرعی تحقیق بدست آمده است. لذا از پایه علمی مناسبی برخوردار است که نتایج تحقیق نیز آن را پشتیبانی می‌کند. همانطور که ملاحظه می‌گردد در این تحقیق «پیامدهای فرهنگی زندگی آپارتمان‌نشینی» به عنوان متغیر وابسته است که با توجه به سؤالات تحقیق، دارای هشت بُعد، شامل چالش‌های کارکردی خانواده، روابط خارج از عرف اجتماعی، سبک و شیوه

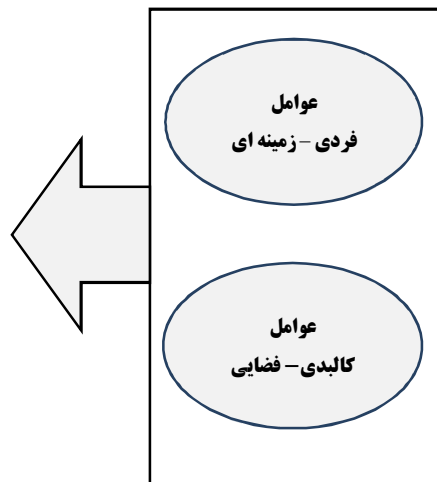
زندگی، کمرنگ شدن روح دینی در زندگی، کاهش مشارکت مدنی و مذهبی، کاهش روابط همسایگی، کاهش رعایت حقوق شهروندی و پیامدهای امنیتی و اجتماعی می‌باشند که از ادبیات و مبانی نظری پژوهش برگرفته شده‌اند. از طرفی متغیرهای مستقل تحقیق نیز شامل دو دسته متغیر هستند که عبارتند از؛ الف) عوامل فردی-زمینه‌ای (شامل سن، جنسیت، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، تحصیلات، میزان اطلاع از قوانین و مقررات آپارتمان‌نشینی، نوع اشتغال، و وضعیت قومیتی) و ب) عوامل کالبدی-فضایی (شامل مترژ واحد آپارتمانی، موقعیت یا مکان واحد آپارتمانی، مشاعات، امکانات واحد آپارتمانی، نور و روشنایی راه پله‌های بلوک‌ها، نیم طبقه بودن پاگرد راه پله‌ها و تراکم جمعیتی) تشکیل شده است.

نمودار (۳) - مدل تحقیق

پیامدهای فرهنگی آپارتمان‌نشینی



آپارتمان‌نشینی



فرضیات تحقیق

فرضیات پژوهش با توجه سؤال اصلی و سؤالات فرعی تحقیق، و برگرفته از مدل تحقیق که خود مبتنی بر ادبیات و مبانی نظری پژوهش است، اخذ شده و به شرح زیر می‌باشد.

۱- میان زندگی آپارتمان‌نشینی و چالش‌های کارکردی خانواده رابطه وجود دارد.
 ۲- میان زندگی آپارتمان‌نشینی و افزایش روابط خارج از عرف اجتماعی و فرهنگی رابطه وجود دارد.

۳- میان زندگی آپارتمان‌نشینی و تحول در سبک و شیوه زندگی رابطه وجود دارد.

۴- میان زندگی آپارتمان‌نشینی و کم‌رنگ شدن روح دینی رابطه وجود دارد.

۵- میان زندگی آپارتمان‌نشینی و مشارکت‌های مدنی و مذهبی رابطه وجود دارد.

۶- میان زندگی آپارتمان‌نشینی و روابط همسایگی رابطه وجود دارد.

۷- میان زندگی آپارتمان‌نشینی و رعایت حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

۸- میان زندگی آپارتمان‌نشینی و پیامدهای امنیتی و اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است. نتیجه پیمایش برای محقق رشته‌ای از پاسخ‌هایی است که غالباً گزینه‌های ثابت پرسش‌ها هستند و از مجموع آن‌ها می‌توان برای سنجش خصوصیات و نگرش‌های گروه‌های اجتماعی معینی سود جست. اساس داده‌های پیمایشی، پاسخ‌هایی است که از پاسخ‌گویان زیادی گردآوری می‌گردد. این پاسخ‌ها عمدتاً نشانگر گرایش‌ها و نگرش‌های ذهنی و معرف‌های ظاهری وضعیت اجتماعی و شخصی پاسخ‌گویان می‌باشد (ترزالی بیکر، ۱۳۷۷؛ ۲۳۵-۲۳۴).

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۱ کشور، کلانشهر تهران دارای ۲۷۹۴ بلوک آپارتمانی و حدود ۹۱۰۰۰ خانوار آپارتمان‌نشین بوده است. جامعه آماری عبارت از کلیه آپارتمان‌نشینان کلان‌شهر تهران در نواحی سه گانه شمالی و مناطق مرفه‌نشین، مرکزی و مناطق متوسط‌نشین و جنوب و مناطق ضعیف‌نشین کلانشهر تهران است. حجم نمونه آماری عبارت از ۴۰۰ خانوار آپارتمان‌نشین

در مناطق سه‌گانه مذکور است که از طریق فرمول کوکران بدست آمد. بر این اساس و برای جبران پاسخ‌های بی‌اعتبار و missing ها، ۴۳۰ پرسشنامه تدوین و توزیع گردید. پرسشنامه متغیرهای وابسته براساس طیف لیکرت تدوین شد. به طور کلی ۴۰۴ پرسشنامه جمع‌آوری شد که سهم مناطق شمالی و مرفه‌نشین ۲۳ درصد (۹۶ خانوار)، سهم مناطق مرکزی یا مناطق متوسط‌نشین ۴۵ درصد (۱۸۰ خانوار) و سهم مناطق جنوبی یا طبقات ضعیف یا مناطق حاشیه‌نشین ۳۲ درصد (۱۲۸ خانوار) بود. تعداد ۱۸ پرسشنامه نیز به علت عدم پاسخ کامل و عدم اعتبار، از نمونه آماری خارج گردید. پس حجم نمونه آماری عبارت از ۳۸۶ پرسشنامه بوده است.

ابزار سنجش و روایی آن

همانطور که در بالا توضیح داده شد برای گردآوری داده‌ها، از ابزار پرسشنامه بهره گرفته شد. برای روایی و اعتبار ابزار سنجش (پرسشنامه‌ها) از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. ضرایب همبستگی آلفای کرونباخ متغیرهای وابسته و تعداد گویه‌های هر متغیر وابسته در جدول زیر، نشان داده شده است.

جدول (۴) - نتایج روایی ابزار سنجش (آلفای کرونباخ)

آلفای کرونباخ	تعداد گویه	متغیر
۰.۸۷۳	۱۵	چالش‌های کارکردی خانواده
۰.۷۲۴	۶	روابط اجتماعی خارج از عرف
۰.۸۳۶	۲۲	سبک زندگی آپارتمان‌نشینی
۰.۸۷۷	۹	روح دینی زندگی آپارتمان‌نشینی
۰.۸۸۹	۹	مشارکت مدنی و مذهبی در زندگی آپارتمان‌نشینی
۰.۹۰۳	۶	روابط همسایگی در زندگی آپارتمان‌نشینی
۰.۷۹۲	۱۲	رعایت حقوق شهروندی در زندگی آپارتمان‌نشینی
۰.۷۶۹	۱۳	پیامدهای امنیتی و اجتماعی زندگی آپارتمان‌نشینی

برای اعتبار صوری و روایی مدل تحقیق و روایی همبستگی گویه‌های متغیرهای وابسته، از نرم‌افزار SPSS و ابزار تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج بدست آمده و مقادیر KMO و سطوح معناداری آزمون بار تلت نیز نشان داد که مدل تحقیق و روایی و همبستگی گویه‌ها، مناسب است.

یافته‌های تحقیق

الف- چالش‌های کارکردی خانواده آپارتمان‌نشین^۱

چالش‌های کارکردی خانواده شامل گویه‌هایی چون کاهش فرزندآوری، سردی روابط زوجین، کاهش روابط اقوام و خویشان، برگزاری جشن‌ها، مراسم و آیین‌های ملی و مذهبی، جدایی پدربزرگ و مادربزرگ‌ها، عموها و عمه‌ها، دایی‌ها و خاله‌ها، شرکت در مراسم ترحیم و تشییع و درگذشت اقوام و خویشان و جشن‌های خانوادگی و فامیلی، در معرض پرسش از جامعه (نمونه) آماری قرار گرفت. فراوانی پاسخ‌های بدست آمده بدین صورت بود؛ ۲۰۳ درصد از پاسخگویان در سطح خیلی کم، ۲۸۰۱ درصد در سطح کم، ۵۶۰۱ درصد در سطح متوسط، ۱۲۰۷ درصد در سطح زیاد و در نهایت ۰۰۸ درصد در سطح خیلی زیاد بودند (جدول شماره ۵).

جدول (۵) - چالش‌های کارکردی خانواده آپارتمان‌نشین

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیرهای مستقل	کای اسکوپر	مقدار فی	سطح معناداری
چالش‌های کارکردی خانواده آپارتمان‌نشین	خیلی کم	۲۰۳	موقعیت واحد آپارتمانی	۴۵/۸۸	۰/۳۴۵	۰/۰۰۰
	کم	۲۸۰۱	نیم طبقه بودن پاگرد راه پله‌ها	۱۰/۵۲۷	۰/۱۶۹	۰/۰۳۲
	متوسط	۵۶۰۱	مالکیت واحد	۵۰/۶۷	۰/۳۶۹	۰/۰۵
	زیاد	۱۲۰۷	میزان درآمد	۳۱/۱۲۸	۱۰/۲۹۲	۰/۰۱۳
	خیلی زیاد	۰۰۸	وضعیت (تنوع) قومی	۶۴/۶۲۲	۰/۴۱۱	۰/۰۰۰
جمع	۳۸۵					

نتایج نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقل موقعیت واحد آپارتمانی از لحاظ طبقات اجتماعی و اقتصادی، مالکیت واحد آپارتمانی، میزان درآمد ساکنان آپارتمان‌نشین، تنوع فرهنگی و قومی و نور و معماری پاگرد راه پله‌های بلوک آپارتمانی بر متغیر وابسته چالش‌های کارکردی خانواده، در حد متوسط و معنادار است (جدول شماره ۵).

ب - شبکه روابط اجتماعی خارجی خارج از عرف

شبکه روابط اجتماعی خارج از عرف شامل گویه‌هایی چون؛ نحوه پذیرایی از خانم‌ها و آقایان در جشن‌ها و مهمانی‌های فامیلی و دوستانه در محل جداگانه یا مختلط، روابط غیررسمی میان پسران و دختران جوان، و مردان و زنان از طریق تلفن همراه و اینترنت در بلوک‌های آپارتمان‌نشین، در معرض پرسش از پاسخگویان قرار گرفت و نتایج بدست آمده عبارت بود از؛ ۶ درصد از پاسخگویان در سطح خیلی کم، ۳۱.۶ درصد در سطح کم، ۴۴.۶ درصد در سطح متوسط، ۱۳.۲ درصد در سطح زیاد و در نهایت ۴.۷ درصد در سطح خیلی زیاد (جدول شماره ۶).

جدول (۶) - روابط اجتماعی خارج از عرف در زندگی آپارتمان‌نشینی

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکوپر	مقدار فی	سطح معناداری
روابط اجتماعی خارج از عرف در زندگی آپارتمان‌نشینی	خیلی کم	۶	اشراف پنجره مجاور بر واحد آپارتمانی	۲۳/۱۷۱	۰/۲۴۷	۰/۰۰۳
	کم	۳۱/۶	کل سابقه آپارتمان‌نشینی	۳۰/۸۱	۰/۲۸۳	۰/۰۱۴
	متوسط	۴۴/۶	وضعیت مالکیت آپارتمان	۴۶/۹۸	۰/۲۸۳	۰/۰۱۴
	زیاد	۱۳/۲				
	خیلی زیاد	۴/۷				
	جمع	۳۸۶				

به طور کلی نتایج نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقلی چون؛ اشراف پنجره واحدهای بلوک مجاور بر واحد آپارتمانی آپارتمان‌نشینان، وضعیت مالکیت واحد آپارتمان‌نشینی، و میزان سابقه آپارتمان‌نشینی افراد آپارتمان‌نشین، بر گسترش و افزایش روابط اجتماعی خارج از عرف در زندگی آپارتمان‌نشینی، معنادار بوده و در حد متوسط باعث افزایش آن می‌گردد.

ج - سبک و شیوه زندگی آپارتمان‌نشینی

سبک و شیوه زندگی آپارتمان‌نشینی شامل گویه‌هایی مانند میزان رفت و آمد با اقوام و خویشان، میزان تمایل به شناخته شدن در محیط زندگی، میزان لذت بردن از محیط آپارتمانی، احساس سرزندگی و شادابی، احساس راحتی، جالب و جذابیت زندگی آپارتمان‌نشینی، احساس استقلال

و آزادی فردی، اعتماد به نفس، میزان محاسبه‌گری و عقلانیت در امور، افزایش دوستان جدید، اخذ اطلاعات از امکانات شهری در محیط زندگی آپارتمان‌نشینی از طریق همسایگان، ازدواج همسایگی، ارتباط با افراد موفق اجتماعی، مهم بودن نزدیکی آشپزخانه و توالت در واحد آپارتمانی برای آپارتمان‌نشینان، شستن لوازم آشپزخانه در توالت، پرهیز از ریختن آب برنج در دستشویی توالت، مقید بودن به عدم استفاده آب سماور از شیر آب توالت، میزان احساس رضایت همسر از پذیرایی از مهمانی‌های فامیلی و غیرخویشاوندی در آشپزخانه اُپن، و میزان لذت از محیط آپارتمانی از لحاظ زیبایی‌شناسی، به معرض پرسش از پاسخگویان قرار گرفت و نتایج زیر بدست آمد؛ پاسخ‌های ۱۰۹ درصد از پاسخگویان در سطح خیلی کم، ۱۶۴ درصد در سطح کم، ۵۱ درصد در سطح متوسط، ۳۰۴ درصد در سطح زیاد و در نهایت ۰۳ درصد در سطح خیلی زیاد (جدول شماره ۷).

جدول (۷) - سبک (و شیوه) زندگی آپارتمان‌نشینی

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکور	مقدار فی	سطح معناداری
سبک (و شیوه) زندگی آپارتمان‌نشینی	خیلی کم	۱/۹	سابقه سکونت در واحد آپارتمانی	۳۹/۰۱۹	۰/۳۳۱	۰/۰۰۱
	کم	۱۶/۴	کل سابقه آپارتمان‌نشینی	۵۰/۲۹۱	۰/۳۷۵	۰/۰۰۰
	متوسط	۵۱				
	زیاد	۳۰/۴				
	خیلی زیاد	۰/۳				
جمع	۳۵۹					

نتایج حاصل از سنجش نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقل «سابقه سکونت در واحد آپارتمانی» و «کل سابقه آپارتمان‌نشینی آپارتمان‌نشینان» معنادار بوده، و هرچه سابقه زندگی آپارتمان‌نشینی افزایش یافته است سبک و شیوه زندگی آپارتمان‌نشینان در حد زیادی دستخوش تحول از زندگی سنتی به سمت زندگی مدرن گشته است (جدول شماره ۷).

د- «روح دینی زندگی آپارتمان‌نشینی»

روح دینی زندگی آپارتمان‌نشینی از طریق گویه‌هایی شامل؛ نماز خواندن آپارتمان‌نشینان، روزه گرفتن، حضور در نماز جماعت محل نزدیک زندگی، شرکت در مناسک مذهبی محل، شکر گفتن خداوند بخاطر رضایت از زندگی (بطور مستمر)، میزان شرکت در ترحیم درگذشتگان اقوام و فامیل و همسایگان آپارتمان‌نشین، میزان رعایت حلال و حرام در زندگی، و رعایت محرم و نامحرم در روابط خویشاوندی و غیرخویشاوندی، در معرض پرسش از پاسخگویان قرار گرفت و نتایج بدست آمده عبارت است از؛ ۴۰۹ درصد از پاسخگویان در سطح خیلی کم، ۲۰۰۷ درصد در سطح کم، ۳۳۰۳ درصد در سطح متوسط، ۴۱ درصد در سطح زیاد (جدول شماره ۸).

جدول (۸) - جدول روح دینی در زندگی آپارتمان‌نشینی

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکویر	مقدار فی	سطح معنادار
روح دینی در زندگی آپارتمان‌نشینی	خیلی کم	۴/۹	وضعیت تأهل	۹/۴۱۵	۰/۱۷۰	۰/۰۲۴
	کم	۲۰/۷	تعداد فرزندان	۳۳/۱۱۲	۰/۳۲۰	۰/۰۱۶
	متوسط	۳۳/۳	میزان تحصیلات	۲۶/۷۲۷	۰/۲۸۸	۰/۰۰۸
	زیاد	۴۱	موقعیت واحد آپارتمانی	۲۳/۲۹۵	۰/۱۹۱	۰/۰۰۶
	خیلی زیاد	-	مشاعات واحد آپارتمانی	۲۰/۸۷۲	۰/۲۵۴	۰/۰۰۵
	جمع	۳۲۴	کل سابقه آپارتمان‌نشینی	۲۱/۷۰۲	۰/۲۵۹	۰/۰۴۱
			تراکم جمعیتی بلوک آپارتمانی	۲۴/۱۰۰	۰/۲۸۷	۰/۰۰۲
			تعداد خانواده در بلوک	۲۵/۵۷۵	۰/۲۹۰	۰/۰۱۲
			تعداد بلوک‌های آپارتمان	۳۲/۸۷۴	۰/۳۴۲	۰/۰۰۱
			مالکیت واحد آپارتمانی	۴۴/۹۷۴	۰/۳۷۴	۰/۰۰۲
		نوع اشتغال	۱۷/۰۵۹	۰/۲۳۰	۰/۰۴۸	

نتایج تحقیق نشان می‌دهند که متغیرهای مستقل شامل وضعیت تأهل آپارتمان‌نشینان، تعداد فرزندان، میزان تحصیلات، موقعیت واحد آپارتمانی، داشتن یا نداشتن مشاعات واحد آپارتمانی، کل سابقه آپارتمان‌نشینی، تراکم و تعداد خانواده‌های موجود در هر بلوک، تراکم جمعیتی، تعداد بلوک‌های مجتمع‌های آپارتمانی، مالکیت واحد آپارتمانی، و نوع اشتغال آپارتمان‌نشینان در کاهش «روح دینی در زندگی آپارتمان‌نشینان» تأثیرگذار بوده‌اند و این روابط در سطح

زیادی معنادار است.

ذ- مشارکت‌های مدنی و مذهبی در زندگی آپارتمان‌نشینی

مشارکت مدنی و مذهبی آپارتمان‌نشینان در زندگی آپارتمان‌نشینی شامل گویه‌های میزان برگزاری مراسم مذهبی مثل عاشورا، شهادت امامان(ع) و جشن‌های مذهبی در منزل، میزان زیارت از حرم‌های امامزاده‌ها(ع) و بقاء متبرکه، میزان زیارت از کربلا و حرم‌های مطهر امامان(ع)، میزان تقید به سفر به حج، میزان تقید به شرکت در انتخابات و شرکت در راهپیمایی‌ها، میزان شرکت در احزاب اجتماعی، سیاسی، مدنی، میزان فعالیت‌ها در گروه‌های خیریه، و برگزاری هیئت‌های مذهبی در منزل، به معرض پرسش گذاشته شد و اثر متغیرهای مستقل بر آن محاسبه گردید؛ نتایج بدست آمده عبارت بود از؛ ۳۱.۷ درصد از پاسخگویان در سطح خیلی کم، ۳۲.۳ درصد در سطح کم، ۲۷.۵ درصد در سطح متوسط، ۸.۲ درصد در سطح زیاد و در نهایت ۰.۳ درصد در سطح خیلی زیاد (جدول شماره ۹).

جدول (۹)- جدول مشارکت مدنی و مذهبی در زندگی آپارتمان‌نشینی

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکویر	مقدار فی	سطح معناداری
مشارکت مدنی و مذهبی در زندگی آپارتمان‌نشینی	خیلی کم	۳۱/۷	تعداد فرزندان	۳۸/۱۸۵	۰/۳۱۸	۰/۰۳۳
	کم	۳۲/۳	موقعیت واحد آپارتمانی	۲۷/۷۳۳	۰/۲۷۱	۰/۰۰۶
	متوسط	۲۷/۵	(مترای) محدودیت فضا	۲۶/۷۱۶	۰/۲۶۶	۰/۰۴۵
	زیاد	۸/۲	کل سابقه آپارتمان‌نشینی	۲۹/۱۴۶	۰/۲۷۸	۰/۰۲۳
	خیلی زیاد	۰/۳	تعداد بلوک‌ها	۳۴/۳۲۹/۹۴۲	۰/۳۲۹	۰/۰۰۴
	جمع	۳۷۸	نوع اشتغال	۲۵/۴۰۱	۰/۲۶۰	۰/۰۱۳

نتایج بدست آمده نشان داد که تأثیر متغیرهای مستقل؛ تعداد فرزندان، موقعیت واحد آپارتمانی آپارتمان‌نشینان، مترای یا محدودیت مکان- فضا، کل سابقه آپارتمان‌نشینی، تراکم (تعداد) بلوک‌های آپارتمانی، و نوع اشتغال آپارتمان‌نشینان، بر کاهش مشارکت مدنی و مذهبی آپارتمان‌نشینان مثبت و معنادار است. این بدان مفهوم است که با افزایش تعداد فرزندان، موقعیت بهتر واحد آپارتمانی از لحاظ طبقات اجتماعی و اقتصادی، محدودیت فضا- مکان (مترای) واحد آپارتمانی، افزایش سابقه آپارتمان‌نشینی، تراکم جمعیت (تعداد بلوک‌ها) و در نهایت نوع اشتغال،

همگی بر کاهش مشارکت مدنی و مذهبی، تأثیر مثبت داشته‌اند.

ر- روابط همسایگی در زندگی آپارتمان‌نشینی

روابط همسایگی در زندگی آپارتمان‌نشینی با گویه‌های؛ میزان رفت و آمد با همسایگان، دادن و گرفتن اطلاعات در زمینه‌های امکانات رفاهی و خدماتی در خارج و داخل محیط زندگی آپارتمان‌نشینی، کمک در برگزاری آیین‌ها و مراسمی چون عروسی، عزا و مراسم مذهبی، معرفی به ادارات و بانک‌ها برای اخذ وام و موارد مشابه، ضمانت شدن چک و وام توسط همسایگان، کمک به گزینش‌های اداری و دولتی و خصوصی، و مصالحه‌دادن همسایگان هنگام دعوا یا کدورت بین آن‌ها، مورد سنجش قرار گرفت و نتایج و فراوانی پاسخ‌های بدست آمده عبارت بودند از؛ ۲۹.۱ درصد از پاسخگویان در سطح خیلی کم، ۲۴.۷ درصد در سطح کم، ۲۷.۷ درصد در سطح متوسط، ۱۴.۱ درصد در سطح زیاد و در نهایت ۴.۳ درصد در سطح خیلی زیاد (جدول ۱۰).

جدول (۱۰) - جدول روابط همسایگی در زندگی آپارتمان‌نشینی

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکوپر	مقدار فی	سطح معنادار
روابط همسایگی در زندگی آپارتمان‌نشینی	خیلی کم	۲۹/۱	متراژ (محدودیت فضا - مکان)	۲۸/۵۵۱	۰/۲۷۹	۰/۰۲۷
	کم	۲۴/۷	نور راه پله‌ها	۱۸/۱۰۶	۰/۲۲۹	۰/۰۲
	متوسط	۲۷/۷	وضعیت (تنوع) قومی	۵۳/۲۶۸	۰/۳۸۲	۰/۰۰۰
	زیاد	۱۴/۱				
	خیلی زیاد	۴/۳				
	جمع	۳۸۶				

نتایج این سنجش نشان داد که تأثیر متغیرهای مستقل شامل؛ محدودیت مکان- فضا (متراژ) واحدهای آپارتمانی، نور (معماری) راه پله‌های بلوک آپارتمانی و وضعیت قومی یا تنوع فرهنگی، با «روابط همسایگی در زندگی آپارتمان‌نشینی» معنادار بوده و همبستگی دارد.

ز- رعایت حقوق شهروندی در زندگی آپارتمان‌نشینی

رعایت حقوق شهروندی در زندگی آپارتمان‌نشینی با گویه‌هایی شامل؛ مشارکت و حضور در جلسات تصمیم‌گیری برای حل مسائل ساختمان، همدلی و همکاری با مدیریت آپارتمان، رعایت

بهداشت، نظافت راهروها و فضای عمومی آپارتمان، پرداخت به موقع حق شارژ و هزینه‌های جانبی ساختمان، سکوت هنگام تردد در راهروها و فضای عمومی، میزان آگاهی از قوانین و مقررات آپارتمان‌نشینی، میزان بلند کردن صدای تلویزیون، تصرف غیرقانونی در مشاعات و فضای عمومی، میزان سروصدای کودکان، فالگوشی پشت درب ایستادن و شنیدن صدای همسایگان، و میزان رعایت قوانین و مقررات آپارتمان‌نشینی، مورد سنجش قرار گرفت، نتایج فراوانی پاسخ‌های بدست آمده عبارت است از؛ پاسخ‌های ۰.۳ درصد از پاسخگویان در سطح خیلی کم، ۴.۱ درصد در سطح کم، ۵۴.۷ درصد در سطح متوسط، ۴۰.۷ درصد در سطح زیاد و در نهایت ۰.۳ درصد در سطح خیلی زیاد (جدول ۱۱).

جدول (۱۱) - رعایت حقوق شهروندی در زندگی آپارتمان‌نشینی

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکویر	مقدار فی	سطح معنادار
رعایت حقوق شهروندی در زندگی آپارتمان‌نشینی	خیلی کم	۰/۳	وضعیت تأهل	۱۱/۱۳۵	۰/۱۷۰	۰/۰۲۵
	کم	۴/۱	معماری اوپن آپشیزخانه	۱۸/۹۱۳	۰/۲۲۲	۰/۰۰۱
	متوسط	۵۴/۷	امکانات واحد آپارتمانی	۲۶/۵۰۹	۰/۲۷۳	۰/۰۴۷
	زیاد	۴۰/۷	کل سابقه آپارتمان‌نشینی	۳۱/۳۰۲	۰/۲۸۶	۰/۰۱۲
	خیلی زیاد	۰/۳				
	جمع	۳۸۶				

نتایج نشان داد که تأثیر متغیرهای مستقل شامل؛ وضعیت تأهل ساکنان واحدهای آپارتمانی، نوع معماری و اوپن بودن آپشیزخانه، امکانات واحدهای آپارتمانی، و کل سابقه آپارتمان‌نشینی، بر رعایت حقوق شهروندی در زندگی آپارتمان‌نشینی شهر تهران، مستقیم بوده و در حد زیادی معنادار، و دارای همبستگی است.

ژ - پیامدهای امنیتی و اجتماعی زندگی آپارتمان‌نشینی

متغیر وابسته «پیامدهای امنیتی و اجتماعی زندگی آپارتمان‌نشینی» با گویه‌های؛ میزان احساس آسودگی و امنیت خاطر، امنیت همسر و کودکان، میزان سرقت از منازل در مجتمع‌های آپارتمانی، زندگی خوابگاهی داشتن برخی از ساکنان واحدهای آپارتمانی، تعداد افراد مجرد

ساکن در بلوک‌های آپارتمانی، میزان دورهم جمع شدن ساکنان برای حل مشکلات آپارتمانی، میزان روحیه جمعی برای حل مسائل، میزان حضور افراد معنادار و توزیع کننده مواد مخدر در بلوک‌ها، میزان رابطه پنهانی جنسی خلاف عرف در مجتمع‌های آپارتمانی، میزان حضور افراد خلافکار، بزهکار و خطرآفرین برای کودکان و زنان، میزان خلأ امنیتی حاصل از دوری محل کار سرپرستان خانواده‌ها از محل زندگی و خطرآفرینی برای کودکان و زنان، مورد سنجش قرار گرفت. نتایج و فراوانی پاسخ‌های بدست آمده عبارت از: ۳۰۹ درصد از پاسخگویان در سطح خیلی کم، ۴۶۸ درصد در سطح کم، ۳۹۰۲ درصد در سطح متوسط، ۸۸ درصد در سطح زیاد و در نهایت ۱۰۳ درصد در سطح خیلی زیاد بود (جدول ۱۲).

جدول (۱۲) - جدول پیامدهای امنیتی و اجتماعی زندگی آپارتمان‌نشینی در شهر تهران

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکویئر	مقدار فی	سطح معنادار
جدول پیامدهای امنیتی و اجتماعی زندگی آپارتمان‌نشینی در شهر تهران	خیلی کم	۳/۹	سن پاسخگویان	۳۷/۴۶۳	۰/۳۱۲	۰/۰۰۲
	کم	۴۶/۸	تعداد فرزندان	۴۸/۸۵۴	۰/۳۵۶	۰/۰۰۲
	متوسط	۳۹/۲	مالکیت واحد آپارتمانی	۵۸/۴۸۹	۰/۳۹۱	۰/۰۰۱
	زیاد	۸/۸	وضعیت قومی (تنوع فرهنگی)	۵۵/۶۴۲	۰/۳۸۲	۰/۰۰۰
	خیلی زیاد	۱/۳				
	جمع	۳۸۵				

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقل؛ سن ساکنان آپارتمان‌نشین، تعداد فرزندان، مالکیت واحدهای آپارتمانی ساکنان آپارتمان‌نشین، و وضعیت و تنوع قومی و فرهنگی آپارتمان‌نشینان بر متغیر وابسته «پیامدهای امنیتی و اجتماعی زندگی آپارتمان‌نشینی» در شهر تهران، مستقیم و معنادار است؛ یعنی با افزایش این متغیرها، آسیب‌های امنیتی و اجتماعی و فرهنگی در زندگی آپارتمان‌نشینی در شهر تهران کاهش می‌یابد. به عبارتی، اکثر آپارتمان‌نشینان از وضعیت امنیت جانی، مالی و اقتصادی، اجتماعی خود، فرزندان و همسر خویش در زندگی آپارتمان‌نشینی در حد زیادی احساس رضایت داشتند.

بحث، بررسی و نتیجه گیری

۱- امروزه زندگی خانوادگی در شهرهای بزرگ به خصوص در زندگی آپارتمان‌نشینی، با تحولات بسیاری روبروست. برخی از این تحولات را می‌توان عبارت از فعالیت‌های نومکانی، فعالیت زنان در خارج از خانه، سپردن کودکان به مهدکودک‌ها، کاهش ارتباط افراد فامیل و اقوام با یکدیگر به علت محدودیت فضا- مکان در زندگی آپارتمان و محیط‌های کوچک زندگی، عدم قبول نگهداری افراد مسن و سالخورده در داخل خانه‌ها و احیاناً سپردن آن‌ها به خانه سالمندان، تمایل به داشتن فرزند کمتر و ... دانست. خانواده گسترده، تدریجاً جذابیت خود را از دست داده، و «شرایط زندگی جدید»، تمایل به نوعی دیگر از خانواده یعنی «خانواده هسته‌ای» یا «خانواده زن و شوهری» را افزایش داده است (توسلی، ۱۳۹۳: ۳۷ و ۳۰۵، مقتدایی، ۱۳۹۳: ۹ و فلاح، ۱۳۹۲: ۱۳). نتیجه تحقیق حاضر نیز نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقل موقعیت واحد آپارتمانی، مالکیت واحد آپارتمانی، میزان درآمد آپارتمان‌نشینان، تنوع قومی یا فرهنگی و در نهایت معماری آپارتمان‌ها (در اینجا نحوه معماری پاگردهای راه پله‌ها)، کارکردهای خانواده آپارتمان‌نشین را دچار چالش کرده و این تأثیر مستقیم بوده و معنادار است.

۲- با کم شدن تعلقات خانوادگی، تعلق خاطر به دوستان تقویت شده و با داخل شدن مطالبات جنسی و دیگر مطالبات در روابط دوستانه صمیمی، شاید «رابطه دوستی در مقابل نقش‌های خانوادگی اعضا» قرار می‌گیرد. امروزه رفیق و دوست‌بازی به مثابه کالای لوکسی است که در بیشتر اعضای طبقه متوسط به بالا رواج دارد، چرا که برای افراد بسیار فقیر، رفاقت بنا به ضرورت دارای «جنبه‌های ابزاری» است. رفاقت مبتنی بر نوعی مساوات‌طلبی است. از طرفی دیگر معماری آپارتمان‌ها، حریم خانه را در زندگی آپارتمان‌نشینی برای زنان برداشته است. این نوع معماری کارکرد پنهان‌سازی درون و حریم خانه‌های آپارتمانی را بسیار کاهش داده است. طراحی آپارتمان‌ها سبب شده که همه افراد حاضر در خانه، اعم از مهمانان و اهالی خانه، دور هم و در یک فضا جمع شوند. این امر حریم‌های محرم و نامحرم را برداشته یا کم‌رنگ کرده و حُجب و حیاها میان افراد محرم و نامحرم اعم جنس زن و مرد، و دختر و پسر، مهمانان خویشاوندی و غیرخویشاوندی یا دوستان خانوادگی را از میان برداشته است (ایمانی، ۱۳۹۳، و جوکار، ۱۳۹۵: ۳۷۹-۳۷۸). نتایج تحقیق حاضر نشان داد که متغیرهای اشراف پنجره واحدهای آپارتمانی و بلوک‌های مجاور، مالکیت واحد آپارتمانی و سابقه طولانی مدت آپارتمان‌نشینی بر افزایش

روابط اجتماعی خارج از عرف در زندگی آپارتمان‌نشینی تأثیرگذار و معنادار است.

۳ - محدودیت‌های فضا- مکانی و رعایت قوانین و مقررات نوشته و نانوشته زندگی آپارتمان‌نشینی بر فرهنگ همسایه‌داری، هنجارها، ارزش‌ها و امور مادی و معنوی ساکنین زندگی آپارتمان‌نشینی تأثیرگذار است به نحوی که افکار، احساسات، رفتارها، سبک و شیوه ساکنین آپارتمان‌نشین را در ارتباط با همسایگان آپارتمان‌نشین، شکل می‌دهد. این فرهنگ ذیل فرهنگ ملی و عمومی جامعه با ویژگی‌های خاص آپارتمان‌نشینی است. سابقه زندگی طولانی مدت در خانه‌های آپارتمانی با محدودیت‌های فضایی و مکانی، فرزندان و کودکان را مجبور به رعایت حقوق همسایگان، و سازگاری با «فضای موجود» می‌کند. این حالت «خاموشی احساسات کودکان» و تحمیل فشار روانی زیاد بر آن‌ها را در پی دارد (فلاح، ۱۳۹۲: ۴۴). از طرفی محدودیت‌های زندگی آپارتمان‌نشینی، از صفا، صمیمیت، عفت، نجابت، آرامش و اطمینانی که در مجاورنشینی خانه‌های معمولی و سنتی یا همسایگی‌های سنتی موج می‌زد، کاسته و باعث «رو آوردن افراد به گوشه‌نشینی»، «تجمل‌گرایی» و «بیگانگی با همسایگان» شده است. آپارتمان‌نشینی از روابط عاطفی میان همسایگان کاسته، و معماری آن، امنیت افراد را به خطر انداخته است. برخلاف زندگی سنتی که با ویژگی‌های «بی‌آلایشی»، «سادگی و صمیمیت» خود، مردم را به یکدیگر نزدیک کرده بود، سبک زندگی آپارتمان‌نشینی باعث «مهمان‌گریزی» گشته است که نتایج آن به صورت «تجمل‌گرایی»، «فخرفروشی و خودنمایی» بوده، سبب می‌شود افراد، «کمتر به دیدار یکدیگر» بروند و از حال یکدیگر کمتر با خبر باشند (فلاح، ۱۳۹۲: ۴۵). نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که هرچه سابقه آپارتمان‌نشینی افراد بیشتر بوده است، «سبک و شیوه زندگی آپارتمان‌نشینی»^۱ بیشتر دچار تغییر و تحول گشته و دارای سطوح معناداری بیشتری است.

۴ - رفتارهای همسایگان به طور ضمنی و غیرمستقیم، بر «رفتارهای عاطفی و اخلاقی انسان» تأثیر شگرفی می‌گذارند، تا جایی که هر فرد در برابر کنش همسایگان، واکنش متناسب با آن را نشان می‌دهد. این تأثیر و تأثر، در «رفتار»، «گفتار»، «نوع پوشش»، و «اخلاق فردی و اجتماعی» همسایگان، «نمود» می‌یابد (فلاح، ۱۳۹۲: ۱۳). این «کنش فرهنگی متقابل» می‌تواند «چارچوب اخلاقی افراد یک محل» را به عنوان «یک واحد اجتماعی» نسبتاً وسیع، تحت تأثیر قرار دهد. «نوع

اندیشه و هنجارهای انتقال یافته» در بین همسایگان، بر تک تک افراد خانواده، به ویژه فرزندان اثر می‌گذارد. همسایه‌ها در پیدایش برخی «مشکلات اخلاقی و رفتاری و نابسامانی‌های اجتماعی» دخالت دارند. «رفتار و اخلاق همسایگان» بر «شکل‌گیری شخصیت افراد خانواده مجاور»، نقش به‌سزایی دارد. این اثرگذاری از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که هم‌نشینی و رفت‌وآمدها در «یک مجتمع مسکونی»، زمینه این تأثیر و تأثر را بیشتر فراهم می‌کند (فلاح، ۱۳۹۲: ۱۳). نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سطح روابط همسایگی^۱ اکثر آپارتمان‌نشینان (حدود ۸۰ درصد) در حد متوسط به پایین یا کم بوده است و متغیرهای مستقلی چون محدودیت فضای (مترائز) واحد آپارتمانی، وضعیت قومی و فرهنگی و معماری واحدها و مشاعات آپارتمانی (نور راه پله‌ها)، معنادار بوده است.

۵- در حالی که در گذشته در معماری بناهای ایرانی، گنبد، نمادی از آسمان و ملکوت بود، و خانه، بر اساس صورتی از معماری مساجد، اماکن مذهبی و زیارتگاهی، بنا می‌شد (جوکار، ۱۳۹۵: ۳۸-۳۲)، با نگاهی به زندگی‌های آپارتمان‌نشینی، ملاحظه می‌شود که علاوه بر تغییر و تحول معماری آپارتمان‌ها، زندگی اکثر آپارتمان‌نشینان به خصوص در نواحی مرفه‌نشین شهر در حال خالی شدن از روح و ارزش‌های دینی و فرهنگی شده است. این تحقیق و نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که اکثر آپارتمان‌نشینان به رعایت ارزش‌های دینی مانند نماز خواندن، روزه گرفتن، حضور در مسجد محل برای اقامه نماز جماعت و شرکت در مراسم مذهبی و ترحیم درگذشتگان خویشاوند و غیرخویشاوندی، رعایت حلال و حرام، و رعایت محرم و نامحرم در روابط خویشاوندی و غیرخویشاوندی، تمایل کمی از خود نشان می‌دهند. به علاوه با افزایش سطح تحصیلات، مالکیت و کیفیت موقعیت واحدهای آپارتمان‌ها بخصوص در مناطق شمالی و مرفه‌نشین، باعث شده است که زندگی آپارتمان‌نشینی، سبب فردی شدن خانه و گسستن اعضای خانواده از یکدیگر گردد. کودکان در این خانه‌ها به صورت سکولار جامعه‌پذیر شده و روابط اعضای خانواده آپارتمان‌نشین در شبکه‌های اجتماعی بخصوص با جنس مخالف چه به صورت داخل خویشاوندی و چه به صورت روابط خارج از خویشاوندی، افزایش می‌یابد و به مرور از روحیه دینی و مذهبی در این نوع خانه‌ها، کاسته می‌گردد (محمدی، ۱۳۹۲: ۵-۶ و

مقتدایی، ۱۳۹۳: ۴-۱). نتایج تحقیق حاضر نیز موارد بالا را تأیید کرده و نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقلی چون وضعیت تأهل (همچون تأخیر در ازدواج و ...)، (کاهش) تعداد فرزندان، میزان تحصیلات، مالکیت واحد، موقعیت واحد آپارتمانی و مشاعات آن، سوابق آپارتمان‌نشینی، تراکم جمعیتی و خانواده در بلوک و تعداد بلوک‌های مجتمع‌های آپارتمانی، و نوع اشتغال ساکنان، بر کاهش روح دینی در زندگی آپارتمان‌نشینی، تأثیر مستقیم داشته و معنادار است.

۶- مشارکت می‌تواند شامل شکلی از نمایندگی باشد که در آن شهروندان توسط یک وکیل نمایندگی شوند. این نوع برنامه‌ریزی و کالتهی، مردم را در گفت‌وگو وارد می‌کند (دیویدف، ۱۹۹۶). انتظار می‌رود نقش مشارکت کنشگران اجتماعی در فعالیت‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری، در تربیت شهروندان خوب نقش آموزشی داشته باشد. در واقعیت امر، مشارکت کم و بی‌علاقگی جز اینکه تغییرات مصیبت‌باری چون؛ ایجاد مانع و چالش در انعطاف‌پذیری شهروندان ایجاد می‌کند، نتیجه دیگری ندارد. مشارکت جمعی آپارتمان‌نشینان کارکردی آموزشی دارد و شهروندان با یادگیری پیوند میان منافع عمومی و خصوصی (و فردی)، منفعت خودشان را از «تقاضای همیشگی» که باید با قانون تجویزی خودشان آزاد شود، تشخیص می‌دهند. منفعت فردی بر فرد تأکید دارد، در حالی که مشارکت، افق‌های دورتری را دربرمی‌گیرد (باندز، ۱۳۹۴: ۳۱۱-۳۱۳). نتیجه تحقیق نشان داد که اکثر آپارتمان‌نشینان (حدود ۹۰ درصد) علاقه و تمایلی برای مشارکت جمعی در حل و فصل مسائل زندگی آپارتمانی نشان ندارند. همچنین متغیرهای مستقلی چون تعداد فرزندان، موقعیت واحد آپارتمانی، محدودیت‌های فضایی و مکانی (مساحت و مترژ) واحد آپارتمانی، تراکم و تعدد بلوک‌ها و سوابق آپارتمان‌نشینی، بر این مشارکت مدنی و مذهبی آپارتمان‌نشینان، تأثیرگذار و معنادار، بوده است.

۷- اغلب مشاهده می‌گردد که بسیاری از حقوق ساکنین آپارتمان‌نشین شامل؛ حق همسایگی، رعایت نظم و آرامش در محیط‌های انبوه‌نشینی، حقوق مالکیت انضمامی و مشاعی منازل مسکونی، نادیده گرفته شده و موقعیت‌های ایستادن و محل پاتوق‌ها و ایجاد مزاحمت برای حقوق اهالی ساکن و محله، منطقه و ...، باعث مشکلات و موانعی می‌گردد. حقوق شهروندی در میان ساکنین، نه آموزش داده می‌شود، و نه نهادینه و نه درونی شده است. لذا بسیار ملاحظه می‌گردد که حقوق شهروندی در میان ساکنین نادیده گرفته شده و رعایت نمی‌گردد که خود مشکلات عدیده‌ای را به همراه خود به ارمغان می‌آورد (محمدی، ۱۳۹۲: ۵-۶). گسترش و

توسعه برخی مسائل و معضلات آپارتمان‌نشینی یا اجاره‌نشینی در مجتمع‌های بزرگ مسکونی در کنار زندگی افراد مجرد در کنار خانواده‌های متأهل، اسباب‌کشی‌های پر سروصدا و بدون ملاحظه رعایت حال ساکنین، عدم رعایت حق پارکینگ همسایگان و گاهی تصرف آن، استفاده غیرمجاز از اموال و امکانات دیگران همچون سرقت لوازم کولر همسایگان، مسئله بهره‌برداری از بالکن‌های مشترک و دیگر مسائل، لزوم توجه به معضلات آپارتمان‌نشینی و رعایت حقوق شهروندی و خصوصی ساکنین، رعایت اصول اخلاقی و قوانین حاکم بر زندگی در مجتمع‌های مسکونی را پیش از پیش آشکار می‌نماید (کاشانی، ۱۳۹۳: ۲-۱). نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اکثر آپارتمان‌نشینان (حدود ۹۵ درصد) گفته‌اند که از متوسط تا حدّ زیادی حقوق شهروندی همسایگان آپارتمان‌نشینان در مجتمع آپارتمانی خودشان را رعایت می‌کنند. همچنین رابطه متغیرهای مستقلی چون تأهل، و نوع معماری واحد (اوپن یا سنتی بودن آشپزخانه)، سوابق زندگی آپارتمان‌نشینی در ارتباط با رعایت حقوق شهروندی، معنادار بوده است.

۸- خانه‌های مجتمع‌نشین از حالت خانه به معنای منزل و محیط آرامش‌بخش و سنتی بیرون آمده و تبدیل به محیط‌هایی همچون خوابگاه شده‌اند که فقط در هنگام خواب صاحبان یا مستأجران آن‌ها، در آن حضور می‌یابند (محمدی، ۱۳۹۲: ۶-۵). توسعه سریع و برنامه‌ریزی‌نشده شهرنشینی، موجب افزایش نسبت مسکن ناسالم و تراکم بیش از حد نفقات در واحد مسکن و بالا رفتن ناهنجاری‌ها، برخوردها و کنش‌های اجتماعی می‌شود. یکی از صورّ حادّ مسکن سالم، کپرنشینی و حلبی‌آبادها و حاشیه‌نشینی است که ضمناً مناطق فقیرنشین شهرهای بزرگ را تشکیل می‌دهد. در عین حال ساکنین مناطق حاشیه شهرها، به اضافه برخی روستاهایی که در شهرها ادغام شده‌اند، اساساً از مهاجرین روستایی تشکیل می‌شوند (توسلی، ۱۳۹۳: ۱۰۱). این مسئله به ویژه بین کسانی که در نقاطی به طور موقت و ناشناخته زندگی می‌کنند، افزایش چشمگیر پیدا می‌کند (باصری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۷-۱۸۵ و توسلی، ۱۳۹۳: ۱۰۰). نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اکثر آپارتمان‌نشینان (حدود ۸۹ درصد) از امنیت و احساس آسودگی، امنیت همسر و کودکان خود، کاهش سرقت در مجتمع‌های آپارتمانی، کاهش حضور افراد مجرد و خوابگاهی و عدم حضور افراد بزه‌کار، معتاد و قاچاقچی و افزایش امنیت خاطر و ... احساس رضایت داشتند. در این میان رابطه متغیرهای مستقلی چون سن، تعداد فرزندان، مالکیت واحد آپارتمانی، و تنوع قومیتی و فرهنگی بر پیامدهای مثبت فرهنگی امنیتی و اجتماعی زندگی آپارتمان‌نشینی، معنادار

بوده و همبستگی نشان دادند.

۹- **پیشنهادات محقق**؛ به نظر می‌رسد به پیامدهای اجرای بسیاری از طرح‌های مهم و بزرگ اقتصادی، عمرانی، اجتماعی و حتی آموزشی در کشور ما که دارای دامنه‌ای وسیع از آثار و پیامدهای مختلف به خصوص در زمینه فرهنگی هستند، چه در مرحله برنامه‌ریزی، چه در مرحله طراحی، و چه در مرحله اجراء، توجهی اساسی صورت نمی‌گیرد. یکی از این طرح‌های بزرگ و مهم که می‌تواند دارای آثار و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی زیادی باشد، آپارتمان‌سازی و آپارتمان‌نشینی یا انبوه‌نشینی مسکونی در کلان‌شهرهای بزرگی چون پایتخت و دیگر مراکز استانی است. نمونه‌های فراوانی از این دست اجرای طرح‌های ساختمانی در بخش خصوصی و با مجوز شهرداری‌های کلانشهرها و دیگر شهرهای کشور، و در بخش دولتی نیز می‌توان طرح انبوه‌سازی مسکن مهر، را به عنوان شاهد مثال آورد که اگرچه در ابتدا دارای اهداف ارزشمندی بوده‌اند اما متأسفانه مجریان آن‌ها از مطالعه کارشناسی و جامعه‌شناختی فرهنگی و مدیریت شهری مناسب در زمینه آثار و پیامدهای فرهنگی که برجای می‌گذارند، یا غفلت نموده‌اند و یا توجهی نکرده‌اند. به همین خاطر پیامدهای فرهنگی و ارزشی و اجتماعی فراوانی را براساس نتایج بسیاری از پژوهش‌ها از جمله همین تحقیق، در پی داشته‌اند. لذا محقق به نهادها و دستگاه‌های متولی امر برای اجرای طرح‌هایی چنین مهم، پیشنهاد می‌نماید که قبل از طراحی و اجرای چنین پروژه‌های مهمی، برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی فرهنگی و اجتماعی، و تقویت جنبه‌های مثبت و فرصت‌های فرهنگی ناشی از اجرای چنین طرح‌هایی، از صاحب‌نظران و کارشناسان متخصص در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی فرهنگی، مدیریت فرهنگی، مدیریت برنامه‌ریزی و طراحی شهری، کارشناسان بوم‌شناس و دیگر کارشناسان حوزه‌های مرتبط دعوت نمایند تا پس از تشکیل جلسات کارشناسی و بحث و بررسی و مطالعات کارشناسی، نظرات کارشناسی خود را درباره آثار و پیامدهای فرهنگی اجرای آنها اعلام نمایند. مؤید چنین پیشنهادی نیز دغدغه و دیدگاه مقام معظم رهبری و مسئولین فرهنگی مبنی بر لزوم داشتن پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم و کلان، قبل از اجرای آن‌ها در کشور است.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و سرگزی، زینب (۱۳۸۹). **آپارتمان‌نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن، مطالعه موردی؛ شهر زاهدان**، چهارمین کنگره بین‌المللی جهان اسلام، زاهدان، ۲۷-۲۵ فروردین ۱۳۸۹.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴). **جامعه‌شناسی توسعه**، تهران، نشر کلمه.
- استونز، راب (۱۳۸۱). **متفکران بزرگ جامعه‌شناسی**، مترجم: مهرداد میردامادی، تهران، نشر مرکز.
- اسلامی، سیدغلامرضا (۱۳۹۳). **مبانی نظری معماری؛ عینکمان را خودمان بسازیم**، تهران، پژوهشکده هنر، مؤسسه علم معمار، چاپ دوم.
- اسماعیلی، محمود (۱۳۹۱). **راهنمای جامع آپارتمان‌نشینی**، تهران، نشر شهر، تهران.
- اصغریور، ماسوله و صادقی (۱۳۹۳). **فاصله تعاملی و معضل همکاری در مجتمع‌های مسکونی، یک مطالعه موردی در شهر مشهد**، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری مشهد، ۲۱ و ۲۲ آبان ماه ۱۳۹۳.
- آرون، ریمون (۱۳۸۱). **مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی**، مترجم: باقر پرهام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- باصری، علی و دیگران (۱۳۹۰). **مطالعه مشکلات آپارتمان‌نشینی و عوامل تأثیرگذار بر آن در کرج**، تهران، **مجله تحلیل اجتماعی**، شماره ۶۰/۴.
- باندز، مایکل (۱۳۹۴). **نظریه اجتماعی شهری (شهر، خود، و جامعه)**، مترجم: صدیق سروستانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- بحرینی، حسین (۱۳۷۸). **تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی**، تهران، دانشگاه تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- برمن، مارشال (۱۳۹۲). **تجربه مدرنیته**، ترجمه مراد فرهادپور، تهران، انتشارات طرح نو.
- بلینگتون، روزاموند و دیگران (۱۳۸۰). **فرهنگ و جامعه**، مترجم: فریبا عزیزدتری، چاپ اول.
- بیکر، ترزال (۱۳۷۷). **نحوه انجام تحقیقات اجتماعی**، مترجم: هوشنگ نائی، تهران، انتشارات روش.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۹۳). **جامعه‌شناسی شهری**، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- جهانگیری، جهانگیر و دیگران (۱۳۹۲). **بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی در استان فارس: مطالعه موردی شهر شیراز**، تهران، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، دوره اول، شماره ۱.
- دواس. دی. ای (۱۳۷۶). **پیمایش در تحقیقات اجتماعی**، ترجمه هوشنگ نائی، تهران نشر نی.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴). **بنیان‌های بزرگ جامعه‌شناختی؛ خاستگاه‌های ایده‌های اساسی در جامعه‌شناسی**، مترجم: تقی آزاد ارمکی، تهران، شرکت قلم.

- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱)، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**، جلد اول؛ اصول و مبانی، تهران، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عربی، نادر (۱۳۸۲)، «عملکرد بازار مسکن در شهر زاهدان»، دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن، **فصلنامه اقتصاد مسکن**، شماره ۳۵ و ۳۶.
- فتحی، سروش و رجبی، آرزیتا (۱۳۸۶)، تحلیل اجتماعی نظریات تحول شهر در نظام نوین جهانی بر شهر، تهران، **فصل‌نامه علمی - پژوهشی جغرافیایی زمین**، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار.
- فتحی، سروش (۱۳۹۱)، تحلیلی بر روابط اجتماعی در فضای شهری پایدار، تهران، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، سال چهارم، شماره چهارم، پاییز.
- فلاح، محمدجواد (۱۳۹۲)، **اخلاق همسایه‌داری و آپارتمان‌نشینی**، تهران، انتشارات کتاب نشر، چاپ اول.
- کوزر، لوئیس و برنارد، روزنبرگ (۱۳۷۸)، **نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی**، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، چاپ اول، نشر نی.
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۹)، **روش تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی)**، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، نشر توتیا.
- گی، روشه (۱۳۸۳)، **تغییرات اجتماعی**، مترجم؛ منصور وثوقی، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- محمدپور، احمد، و دیگران (۱۳۹۱)، مطالعه کیفی فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر همدان، تهران، **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، شماره ۱۳.
- محمدزاده، رحمت (۱۳۹۰)، «بررسی کیفیت و عوامل فضایی و کالبدی فضاهاى باز مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند، تبریز»، **نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی**، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۹۰، صفحات ۲۸-۲۹.
- محمدی، امیر (۱۳۹۴)، **تعارضات آپارتمان‌نشینی با سبک زندگی اسلامی (آسیب‌شناسی معماری مدرن)**، تهران، پایگاه تحلیلی برهان، ۹۴/۱۱/۱۲.
- محمدی‌پور، غلامرضا (۱۳۹۳)، **نظریه‌ها و مکاتب شهری؛ از تونیس تا احمد اشرف**، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیک.
- مدی، حسین؛ شعبانیان، مهشید و متقی‌نیا، تینا (۱۳۹۲)، **آسیب‌شناسی فرهنگ و معماری ایرانی در مسکن مهر شرک قزوین**، همایش ملی معماری و شهرسازی انسان‌گرا، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
- معاریان، غلامحسین (۱۳۹۱)، **معماری ایرانی**، نیارش، جلد دوم، چاپ اول.
- میرزائی، محمد و دیگران (۱۳۷۸)، **جمعیت، توسعه و بهداشت باروری**، تهران، نشر بشری.

- نوراللهی و دیگران(۱۳۹۴)، سیاست‌های مسکن مهر در ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن، تهران، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، شماره سیزدهم، زمستان.

- **Butler, Edgar, W.(1979)**, Urban Sociology, *New York, Harper & Row.*
- **Bhagat, R. B(2001)**, Urbanization in India, Brezil, *general population conference.*
- **Bernstein, B.(1968)**, “Some Sociological of Determinats of Perception, an Inqiry into Subcultural Differences”, *pp: 223-239 in Joshua , A.Fishman(ed) Reading in the Sociology of Lanffguage, he Hague : Mouton .*
- **Castells, Manuel(1983)**, The City and the Grass Roots:A Cross- Cultural Theory of Urban Social Movements, (*London: Edward Arnold*).
- **Harvey, David(1985)**, Consciousness and the Urban Experience:Studies in the History and Theory of Capitalist Urbanization, *oxford: basil Blackwell.*
- **Henny, Ozaki and Ritsuko Coolen(2007)**, Culture, Lifestyle and the Meaninig of a Dwelling, *OTB Research Institute for Housing, Urban and Mobility Studies.*
- **Rand, G.(1984)**, “ *Crime and Environment: A Review of the Litrature and its Implications for Urban Architechure and Planning*“, Journal of Architechtrual Plan Research, *1(1) pp: 3-19.*
- **United Nations(2000)**, Human Development Report.
- **Mellor, J.R.(1987)**, Urban Sociology in Urbanized Society, *Routldge.*
- **Mictchell, R., Edward(1969)**, Family Life in Urban Hong Kong, *Hong kong Urban Family Surrey.*
- **Mubarak, Faisal(1993)**, Cultural Aaptation to Housing: A Case Study, *University, Riyadh, Saudi Arabia.*
- **Wirth, L.(1964)**, Urbanism As a Way of Life, *P.K. and Reiss.A.j.(Eds), Critics and Society. New York: The Free.*